

ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی
- رانلور گام به گام
- رانلور آزمون گاج و قلم چی و سنجش
- رانلور فیلم و مقاله آنلیزشی
- کنلور و مشاوره

 IranTooshe.ir

 [@irantooshe](https://t.me/irantooshe)

 [IranTooshe](https://www.instagram.com/IranTooshe)





پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۲۱ بهمن ماه ۱۴۰۱

ایران توشه

توشه ای برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام داری‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم تونزنده‌جانی، آروین حسینی، احمدرضا ذاکرزاده، امیر زراندوز، علی شهبازی، علیرضا عبدی، سعید عزیزخانی، فرشید کریمی، امیر محمودیان
اقتصاد	نسرین جعفری، علیرضا رضایی، سارا شریفی، مهدی ضیائی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، عزیز الیاسی‌پور، محسن اصغری، سیدعلیرضا علویان، سجاد غلام‌پور سیوکی، فرهاد فروزان‌کیا، مجتبی فرهادی، حمید محدثی، یاسین مهدیان، هومن نمازی، سیدمحمد هاشمی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، آرزیتا بیدقی، فاطمه صفری، ارغوان عبدالملکی، شهریار عبدالله
عربی زبان قرآن	درویشعلی ابراهیمی، ولی برجی، هادی پولادی، بهروز حیدریکی، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم‌شیرودی، محمدعلی کاظمی نصرآبادی، علی محسن‌زاده، سیده محیا مؤمنی، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	میلاد باغ‌شیخی، علیرضا رضایی، فاطمه سخایی، علی‌محمد کریمی، ملیحه گرجی
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، علیرضا تقی‌پور، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، فرهاد قاسمی‌نژاد، علیرضا نصیری
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، محمد رسایی، مهسا عفتی، فرهاد علی‌نژاد

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمدابراهیم تونزنده‌جانی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، علی ارجمند	الهه شهبازی
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	فاطمه صفری	زهره قموشی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان، هومن نمازی	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	ارغوان عبدالملکی	فاطمه صفری	کوثر شاه‌حسینی	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	نوید امساک	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
تاریخ	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	فاطمه فوقانی
جغرافیا	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	
منطق و فلسفه	سبا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی‌نژاد	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی‌نژاد	

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	زهره دامیار
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۲»

(معمربراهیم توزنده یانی)

طبق جمله عمومی دنباله حسابی $a_n = a_1 + (n-1)d$ داریم:

$$a_2 = a_1 + d, a_7 = a_1 + 6d$$

$$\begin{cases} a_1 + d = 5 \\ a_1 + 6d = 15 \end{cases} \xrightarrow{\text{حل دستگاه}} \begin{cases} -a_1 - d = -5 \\ a_1 + 6d = 15 \end{cases}$$

$$\Rightarrow 5d = 10 \Rightarrow d = 2, a_1 = 3$$

از طرفی می دانیم جمله پانزدهم $a_{15} = a_1 + 14d$ است. با جایگذاری

$d = 2$ و $a_1 = 3$ داریم:

$$a_{15} = 3 + 14(2) = 31$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه های ۶۱ تا ۶۹)

۲- گزینه «۱»

(علیرضا عبیدی)

با توجه به صورت سؤال داریم:

$$\begin{array}{ccc} 15, & \square, & \square, & \square, & 23 \\ \downarrow & & & & \downarrow \\ a & & & & b \end{array}$$

$$d = \frac{b-a}{m+1} = \frac{23-15}{3+1} = \frac{8}{4} = 2$$

$$\Rightarrow 15, 17, 19, 21, 23$$

عدد وسطی ۱۹ است.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه های ۶۱ تا ۷۲)

۳- گزینه «۲»

(علیرضا عبیدی)

با توجه به اطلاعات مسئله داریم:

$$a_1 = 25, d = 20, a_n = 225$$

$$a_n = a_1 + (n-1)d$$

$$\Rightarrow 225 = 25 + (n-1)20$$

$$\Rightarrow 225 = 25 + 20n - 20$$

$$\Rightarrow 225 = 20n + 5 \Rightarrow 20n = 220 \Rightarrow n = \frac{220}{20} = 11$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه های ۶۱ تا ۶۹)

۴- گزینه «۴»

(سعید عزیزقانی)

نکته:

$$m+n = k+h \Rightarrow a_m + a_n = a_k + a_h$$

زیرا:

$$a_1 + (m-1)d + a_1 + (n-1)d = a_1 + (k-1)d + a_1 + (h-1)d$$

$$\Rightarrow (m+n)d = (k+h)d \xrightarrow{d \neq 0} m+n = k+h$$

با توجه به صورت سؤال داریم:

$$a_{15} = 28, a_{11} = 26, a_6 = 11$$

با توجه به رابطه اندیسی اگر $m+n = k+h$ باشد، آنگاه:

$$a_m + a_n = a_k + a_h$$

$$a_6 + a_{15} = a_{11} + a_6 \Rightarrow 11 + 28 = 26 + a_6 \Rightarrow a_6 = 23$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه های ۶۱ تا ۷۲)

۵- گزینه «۱»

(معمربراهیم توزنده یانی)

با استفاده از اتحاد مزدوج داریم:

$$a_{12} - a_8 = (a_{12} - a_8)(a_{12} + a_8) = 240$$

$$\Rightarrow ((a_1 + 11d) - (a_1 + 7d))(2a_1 + \dots) = 240$$

$$\xrightarrow{a_1 = 6} (4d)(2 \times 6) = 240 \Rightarrow d = \frac{240}{4 \times 2 \times 6} = 5$$

$$a_{10} = a_1 + 9d \Rightarrow 6 = a_1 + 45 \Rightarrow a_1 = -39$$

از طرفی می دانیم واسطه حسابی بین دو عدد (جمله) همان میانگین عددها است.

$$a_{14} = a_1 + 13d \Rightarrow a_{14} = -39 + 65 = 26$$

$$a_{16} = a_1 + 15d \Rightarrow a_{16} = -39 + 75 = 36$$

$$a_{16}, a_{14} \text{ حسابی واسطه } = \frac{a_{14} + a_{16}}{2} = a_{15}$$

$$= \frac{26 + 36}{2} = 31$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه های ۶۱ تا ۷۲)

۶- گزینه «۲»

(آروین حسینی)

می دانیم که $S_8 = a_1 + a_2 + \dots + a_8$ و $S_{11} = a_1 + a_2 + \dots + a_{11}$ بنابراین $S_{11} - S_8 = a_9 + a_{10} + a_{11}$ است، پس داریم:

$$S_{11} - S_8 = 63 \Rightarrow a_9 + a_{10} + a_{11} = 63$$

$$\xrightarrow{\text{طبق قانون اندیسی ها}} 11 + 10 + 9 = 10 + 10 + 10$$

$$\Rightarrow a_9 + a_{10} + a_{11} = 3a_{10} = 63 \Rightarrow a_{10} = 21$$

از طرفی می دانیم که $S_n - S_{n-1} = a_n$ است، پس:

$$S_7 - S_6 = a_7 = 12$$

حال داریم:

$$\begin{cases} a_{10} = 21 \\ a_7 = 12 \end{cases} \xrightarrow{\text{اختلاف}} a_{10} - a_7 = 21 - 12 \Rightarrow 3d = 9 \Rightarrow d = 3$$

جمله بیستم برابر است با:

$$a_{20} = a_1 + 19d = 21 + 19(3) = 81$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه های ۶۱ تا ۷۲)

۷- گزینه «۱»

(فهرشیر کریمی)

با توجه به جمله های داده شده، داریم:

$$a_1 = 3$$

$$a_5 = 23$$

$$a_1 + 4d = 23 \Rightarrow (3) + 4d = 23 \Rightarrow 4d = 20 \Rightarrow d = 5$$

$$S_{16} = \frac{16}{2}(2a_1 + 15d) = 8(2(3) + 15(5)) = 648$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه های ۶۱ تا ۷۲)

۸- گزینه «۴»

(معمربراهیم توزنده یانی)

در مجموع جمله های دنباله حسابی داریم:

$$S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + (n-1)d)$$

می دانیم $d = a_{n+1} - a_n$ یعنی $d = 8$



(امد مرصفا ذاکر زاده)

گزینه ۲»

$$\begin{cases} (2,5) \\ (2,c) \end{cases} \Rightarrow c=5$$

$$\begin{cases} (5, b^2) \in f \\ (5, 4b-2) \in f \end{cases} \Rightarrow b^2 = 4b-2 \Rightarrow b^2 - 4b + 2 = 0$$

$$\Rightarrow b=1 \text{ یا } b=3$$

$$\begin{cases} b=1 \Rightarrow f = \{(2,5), (5, a^2 + a + 2), (5,1)\} \\ \Rightarrow a^2 + a + 1 = 0 \Rightarrow \Delta < 0 \text{ برای } a \text{ عدد حقیقی وجود ندارد.} \\ b=3 \Rightarrow f = \{(2,5), (5, a^2 + a + 2), (5,9)\} \\ \Rightarrow a^2 + a + 2 = 9 \Rightarrow a^2 + a - 7 = 0 \Rightarrow \Delta > 0 \text{ قق} \end{cases}$$

بنابراین b یک مقدار می تواند داشته باشد.

(ریاضی و آمار، (۱)، تابع، صفحه های ۳۰ تا ۳۹)

(تروین حسینی)

گزینه ۲»

کافی است به جای x در تابع $f(x)$ مقادیر مجموعه A (دامنه) را قرار دهیم؛ پس:

$$\left. \begin{aligned} f\left(\frac{1}{2}\right) &= \sqrt{\frac{1}{2}\left(\frac{1}{2}\right)} + 2 = \sqrt{\frac{1}{4}} = \frac{3}{2} = 1/5 \\ f(4) &= \sqrt{\frac{1}{2}(4)} + 2 = \sqrt{2} = 2 \\ f\left(\frac{17}{2}\right) &= \sqrt{\frac{1}{2}\left(\frac{17}{2}\right)} + 2 = \sqrt{\frac{17}{4}} = \frac{5}{2} = 2/5 \end{aligned} \right\} B = \{1/5, 2, 2/5\}$$

مجموع اعضای برد تابع برابر است با:

$$1/5 + 2 + 2/5 = 6$$

(ریاضی و آمار، (۱)، تابع، صفحه های ۵۰ تا ۵۶)

(علی شورابی)

گزینه ۳»

ابتدا ضابطه f را ساده می کنیم:

$$f(x) = \frac{x^2 - 2x}{2x^3 - 4x^2} = \frac{x(x-2)}{2x^2(x-2)} = \frac{1}{2x}, x \neq 2$$

برای به دست آوردن $f(a+1)$ و $f(a-1)$ باید جای x به ترتیب $a-1$ و $a+1$ قرار دهیم:

$$f(a-1) = \frac{1}{2(a-1)}$$

$$f(a+1) = \frac{1}{2(a+1)}$$

معادله را تشکیل می دهیم:

$$f(a-1) \times f(a+1) = \frac{1}{20} \Rightarrow \frac{1}{2(a-1)} \times \frac{1}{2(a+1)} = \frac{1}{20}$$

$$\Rightarrow \frac{1}{4(a^2-1)} = \frac{1}{20}$$

$$a^2 - 1 = 5 \Rightarrow a^2 = 6 \Rightarrow a = \pm\sqrt{6}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، تابع، صفحه های ۵۰ تا ۵۶)

$$S_n = \frac{n}{2} [2a_1 + nd]$$

$$\Rightarrow S_8 = 8a_1 + 28d = 80 \Rightarrow 8a_1 + 28(8) = 80$$

$$\Rightarrow 8a_1 = -144 \Rightarrow a_1 = -18$$

$$\frac{a_7}{a_{10}} = \frac{a_1 + 6d}{a_1 + 9d} = \frac{-18 + 48}{-18 + 72} = \frac{30}{54} = \frac{5}{9}$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای فطی، صفحه های ۶۱ تا ۷۲)

گزینه ۱»

(امد مرصفا ذاکر زاده)

با توجه به مجموع n جمله ابتدایی داریم:

$$S_1 = 3 + 5 = 8 \Rightarrow a_1 = 8$$

$$S_7 = 3(2)^7 + 5(2) = 22 \Rightarrow a_1 + a_7 = 22 \xrightarrow{a_1=8} a_7 = 14$$

$$d = a_7 - a_1 = 14 - 8 = 6 \Rightarrow a_n = a_1 + (n-1)d$$

$$\Rightarrow a_n = 8 + (n-1)(6) = 6n + 2$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای فطی، صفحه های ۶۱ تا ۷۲)

گزینه ۴»

(ممد ابراهیم توزنده یانی)

طبق نمودار جمله سوم برابر با ۱ و جمله پنجم برابر با ۳ است از طرفی می دانیم اگر جمله m ام و n ام دنباله حسابی به ترتیب a_m و a_n باشند، قدر نسبت دنباله حسابی برابر است با:

$$\frac{a_m - a_n}{m - n} = \frac{a_5 - a_3}{5 - 3} = \frac{3 - 1}{2} = 1$$

از طرفی $a_3 = a_1 + 2d$ با جایگذاری $d=1$ داریم:

$$\Rightarrow a_1 = -1$$

حال برای مشخص کردن شماره جمله ای که ۶۲ است. داریم:

$$a_n = a_1 + (n-1)d \Rightarrow 62 = -1 + (n-1)1$$

$$\Rightarrow 62 = -1 + n - 1 \Rightarrow 64 = n$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای فطی، صفحه های ۶۱ تا ۷۲)

ریاضی و آمار (۱)

گزینه ۴»

(ابوالفضل بوعاری)

برای آن که f تابع باشد، در زوج های مرتب با مؤلفه های اول برابر، مؤلفه دوم باید با هم برابر باشند:

$$\begin{cases} (2,5), (2, a^2 - b^2) \in f \Rightarrow a^2 - b^2 = 5 \\ (0,1), (0, a-b) \in f \Rightarrow a-b=1 \end{cases}$$

$$\Rightarrow \underbrace{(a-b)}_1 (a+b) = 5 \Rightarrow a+b=5$$

$$\begin{cases} a+b=5 \\ a-b=1 \end{cases} \Rightarrow a=3, b=2$$

$$\Rightarrow f = \{(2,5), (0,1), (3,3), (4,8)\} \Rightarrow D_f = \{2,0,3,4\}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، تابع، صفحه های ۳۰ تا ۵۶)



۱۵- گزینه «۲»

(علی شورایی)

شیب خط گذرنده از نقاط $A(0,2)$ و $B(-5,0)$ را حساب می‌کنیم:

$$m_{AB} = \frac{y_B - y_A}{x_B - x_A} = \frac{0 - 2}{-5 - 0} = \frac{2}{5}$$

با داشتن شیب و عرض از مبدأ، معادله خط را می‌نویسیم:

$$y = mx + h \xrightarrow{\substack{m = \frac{2}{5} \\ h = 2}} y = \frac{2}{5}x + 2 \Rightarrow f(x) = \frac{2}{5}x + 2$$

معادله $f(x) = m - h$ را تشکیل می‌دهیم:

$$\frac{2}{5}x + 2 = \frac{2}{5} - 2 \xrightarrow{\times 5} 2x + 10 = 2 - 10$$

$$\Rightarrow 2x = -18 \Rightarrow x = -9$$

(ریاضی و آمار، (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۷ تا ۶۱)

۱۷- گزینه «۲»

(مهمربراهیم توزنره یانی)

طبق فرض سؤال نمودار تابع از نقاط $(2,6)$ و $(6,12)$ می‌گذرد، لذا داریم:

$$m(\text{شیب}) = \frac{y_2 - y_1}{x_2 - x_1} = \frac{12 - 6}{6 - 2} = \frac{3}{2}$$

$$y = mx + h \xrightarrow{\substack{m = \frac{3}{2} \\ (2,6)}} 6 = \frac{3}{2}(2) + h \Rightarrow h = 3$$

$$y = \frac{3}{2}x + 3$$

از طرفی $-1 \leq x \leq 3$ لذا:

$$-\frac{3}{2} \leq \frac{3}{2}x \leq \frac{9}{2} \rightarrow \frac{3}{2} \leq \frac{3}{2}x + 3 \leq \frac{15}{2}$$

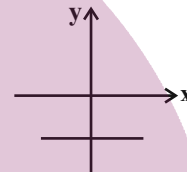
در نتیجه برد تابع $\frac{3}{2} \leq y \leq \frac{15}{2}$ است.

(ریاضی و آمار، (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۷ تا ۶۱)

۱۶- گزینه «۱»

(امیر مضموریان)

تابع خطی در ۴ حالت زیر دقیقاً از دو ناحیه مختصات عبور می‌کند:



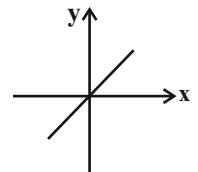
شیب = ۰

< ۰ عرض از مبدأ



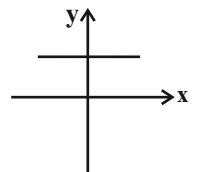
شیب < ۰

= ۰ عرض از مبدأ



شیب > ۰

= ۰ عرض از مبدأ



شیب = ۰

> ۰ عرض از مبدأ

پس باید یکی از مقادیر شیب یا عرض از مبدأ صفر باشد:

$$4m - 2 = 0 \Rightarrow 4m = 2 \Rightarrow m = \frac{1}{2}$$

اگر عرض از مبدأ صفر باشد:

$$m^2 - 3m + 2 = 0$$

$$(m-1)(m-2) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} m = 1 \\ m = 2 \end{cases}$$

مجموع مقادیر قابل قبول m :

$$\frac{1}{2} + 1 + 2 = \frac{7}{2}$$

(ریاضی و آمار، (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۷ تا ۶۱)

۱۸- گزینه «۲»

(سعیر عزیزقانی)

شکل تابع داده شده سهمی است، آن را رسم می‌کنیم. ابتدا مختصات رأس سهمی را می‌یابیم و با استفاده از نقاط کمکی سمت راست و چپ رأس (با فاصله یکسان از رأس)، جدول عددگذاری را ترسیم و شکل آن را می‌کشیم. برای پاسخ دادن به سؤال مطرح شده، به طول نقاط برخورد سهمی با محور x (ریشه‌های معادله $f(x) = 0$) نیز نیازمندیم؛ بنابراین این نقاط را به‌عنوان کمکی در نظر می‌گیریم.

$$x = -\frac{-4}{2 \times 2} = 1 \text{ طول رأس}$$

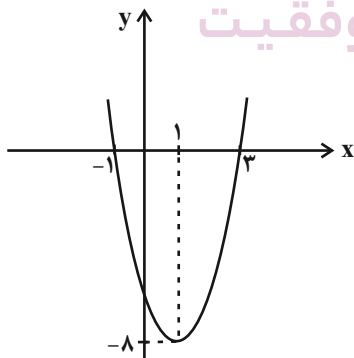
$$y = 2(1)^2 - 4(1) - 6 = -8 \text{ عرض رأس}$$

$$f(x) = 0 \Rightarrow 2x^2 - 4x - 6 = 0 \Rightarrow 2(x-3)(x+1) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x - 3 = 0 \Rightarrow x = 3 \\ x + 1 = 0 \Rightarrow x = -1 \end{cases}$$

سهمی در $x = -1, 3$ محور x ها را قطع می‌کند.

شکل سهمی را رسم می‌کنیم:



با توجه به شکل اگر سهمی را یک واحد به راست منتقل کنیم از ناحیه سوم عبور نمی‌کند.

تذکر: هم‌چنین $f(0) = -6$ پس راه دیگر اینکه نمودار از ناحیه سوم عبور نکند آن است که ۶ واحد به بالا منتقل شود.

(ریاضی و آمار، (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۰)



۱۹- گزینه «۴»

(علی شعری)

طول رأس سهمی ۳ است، پس:

$$x_s = \frac{-b}{2a} \rightarrow 3 = \frac{-b}{2(-2)} \Rightarrow b = 12$$

تا این جا ضابطه به شکل $f(x) = -2x^2 + 12x + c$ شد. نقطه $(3, 20)$ رأس سهمی است، پس:

$$20 = -2(3)^2 + 12(3) + c \Rightarrow 20 = -18 + 36 + c \Rightarrow c = 2$$

در نتیجه: $f(x) = -2x^2 + 12x + 2$ طول پاره-خط AB ، همان اختلاف ریشه‌های معادله

$$-2x^2 + 12x + 2 = 0 \text{ است که از رابطه } \frac{\sqrt{\Delta}}{|a|} \text{ به دست می‌آید:}$$

$$|AB| = \frac{\sqrt{\Delta}}{|a|} = \frac{\sqrt{12^2 - 4(-2)(2)}}{|-2|} = \frac{\sqrt{144+16}}{2} = \frac{\sqrt{160}}{2} = 2\sqrt{10}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۰)

۲۰- گزینه «۲»

(امیر محمودیان)

 $x = 2$ خط تقارن سهمی است، یعنی:

$$2 = -\frac{2}{2a} \Rightarrow 2 = \frac{2}{2a} \Rightarrow a = \frac{1}{2}$$

هم‌چنین سهمی محور y ها را در نقطه‌ای به عرض -1 قطع می‌کند؛ پس

$$b = -1$$

دقت کنید در صورت سؤال، b محل تقاطع با محور عرض‌هاست و با فرمکلی نمودار تابع درجه ۲ یعنی $y = ax^2 + bx + c$ اشتباه نکنید.

$$f(x) = \frac{1}{2}x^2 - 2x - 1 \Rightarrow f(6) = \frac{1}{2}(6^2) - 2(6) - 1$$

$$= \frac{1}{2} \times 36 - 12 - 1 = 5$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۰)

علوم و فنون ادبی (۳) و (۲)

۲۱- گزینه «۴»

(مهدی فرهادی)

موارد «الف، ج، د و ه» نادرست‌اند.

«الف»: لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و جای آن‌ها را لغات عربی گرفته است.

«ج»: مهم‌ترین ویژگی زبانی سبک عراقی درهم‌آمیختگی مختصات نو و کهن است که گاهی در یک شعر کوتاه هم دیده می‌شود.

«د»: درسی‌کردن عرفان، شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه‌دادن مفاهیم آن باعث شد در این دوره، کتاب عرفانی مهمی نوشته نشود.

«ه»: پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون، برتری عشق بر عقل و امثال آن‌ها مفاهیم و اندیشه‌های شعر این دوره را رقم می‌زنند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۶ تا ۳۹)

۲۲- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا علویان)

نیما شعر «آی آدم‌ها» را در اولین کنگره شاعران و نویسندگان ایران خواند. جریان شعر نو تغزلی از دوره دوم شعر فارسی معاصر قبل انقلاب آغاز شد که در دوره سوم از گسترده‌ترین جریانات زمان شد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۶۹)

۲۳- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا علویان)

اوج سخنان پروین در قطعات اوست که در آن‌ها به شیوه انوری و سنایی توجه دارد. شهریار در منظومه ترکی «حیدر بابایه سلام» با شیفتگی تمام از اصالت فرهنگی و زیبایی‌های روستای زادگاهش یاد می‌کند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۰ و ۷۱)

۲۴- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا علویان)

«خواب ارغوانی» مجموعه شعر سیدعلی موسوی گرماردی، «از این ستاره تا آن ستاره» به قلم سلمان هراتی، «ضیافت» از تجربه‌های داستانی سیدمهدی شجاعی و «مهاجر کوچک» از آثار محمدرضا سرشار (رضا رهگذر) در زمینه قصه‌های کودک و نوجوان است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۸ تا ۸۰)

۲۵- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا احمدی)

صد: مجاز از مقدار زیاد

چنگ: مجاز از نواختن و مطربی

جام: مجاز از شراب

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: سر: مجاز از قصد / خاص و عام: مجاز از همه افراد

گزینه «۳»: مرد و زن: مجاز از همه افراد/ پخته و خام: مجاز از همه افراد

گزینه «۴»: دو عالم: مجاز از تعلقات و هر آن‌چه در دنیا و عقبی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۲۶- گزینه «۲»

(مفسن اصغری)

«تیر» مجاز به علاقه شباهت یا استعاره مصرحه است. (مجاز از غمزه و نگاه معشوق)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «ترگس» در معنای حقیقی «نوعی گل» به کار رفته است.

گزینه «۳»: «پیمان» مجاز به علاقه غیرشباهت (محلّیه) است (مجاز از شراب).

گزینه «۴»: بیت فاقد استعاره مصرحه است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۲۷- گزینه «۳»

(یاسین مهریان)

«الف»: «دل» مجاز از «وجود»

«د»: «زرین» مجاز از «ارزش زیاد»

در ابیات «ب» و «ج»، مجاز به کار نرفته است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)



۲۸- گزینه ۳»

(مبتهی فرهاری)

بیت گزینه ۳» از پایه‌های آوایی تکراری، منظم و یکسانی تشکیل نشده و دارای وزن همسان تک‌پایه‌ای نیست (وزن بیت مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن است)، اما سایر گزینه‌ها از پایه‌های آوایی تکراری و منظم تشکیل شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن

گزینه ۲» مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

گزینه ۴» مستفععلن مستفععلن مستفععلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۲۹- گزینه ۲»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

وزن این بیت «مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن» و دارای ارکان متناوب است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» وزن بیت «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» است و ارکان تکراری دارد.

گزینه ۳» وزن بیت «فعولن فعولن فعولن فعولن» است و ارکان تکراری دارد.

گزینه ۴» وزن بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» است و ارکان تکراری دارد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۰- گزینه ۳»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن این گزینه «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن» است که در آن وزن‌واژه فاعلاتن به‌کار نرفته است.

وزن سایر ابیات:

گزینه ۱» فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه ۲» فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه ۴» فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۱- گزینه ۲»

(هومن نمازی)

وزن این بیت: «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن» است که آن را به شکل: «مستفععلن مفاعیل مستفععلن فاعلن» نیز می‌توان برش‌هجایی داد. علاوه بر «مستفععلن»، «فاعلاتن» و «مفتعلن» در رکن «مفاعیل» نیز این اختیار می‌تواند اتفاق بیفتد، همان‌طور که در مصراع دوم این بیت شاهد آن هستیم و آن تبدیل به «مفاعیلن» شده است.

در تقطیع رکن به رکن مصراع دوم این گزینه هجای کوتاه در پایان فاعلاتن و هجای کوتاه در ابتدای مفاعیل ادغام شده و تبدیل به هجای بلند می‌شوند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۸۵)

۳۲- گزینه ۳»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن این شعر «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است که اختیار وزنی آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن در این وزن به‌کار نمی‌رود. در گزینه‌های «۱» و «۲» در رکن اول هر دو مصراع به جای فاعلاتن از فاعلاتن استفاده شده است؛ همچنین در رکن اول مصراع دوم گزینه ۴» این اختیار به‌کار رفته است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۸۴)

۳۳- گزینه ۱»

(یاسین مهریان)

این بیت، از رباعیات خیام‌گزینش شده است و وزن آن، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» است. توجه داشته باشید که گاهی در وزن رباعی، به‌جای «مفاعیل (U--U)»، از «مفاعیلن (U-U)» استفاده می‌شود و شاعر، هجای بلند و کوتاه آخری را جابه‌جا می‌کند که این جابه‌جایی، اختیار شاعری «قلب» در رباعی است. در این بیت، رکن دوم مصراع اول، به‌جای آن که «مفاعیل» باشد، «مفاعیلن» است و با توجه به توضیحات، با اختیار قلب روبه‌رو هستیم.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲» بیت، در وزن «مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن» سروده شده است و اختیار قلب در آن مشهود نیست. آدر رکن اول مصراع اول، اختیار شاعری «ابدال» وجود دارد و به‌جای «مفتعلن (UU-)»، «مفعولن (---)» آمده است.

گزینه ۳» بیت، در وزن «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» سروده شده است و اختیار شاعری قلب در آن مشهود نیست.

گزینه ۴» بیت، در وزن «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن» سروده شده است و فاقد اختیار وزنی قلب است. آدر رکن دوم مصراع اول، از اختیار شاعری «ابدال» استفاده شده است و به‌جای «فاعلاتن (UU---)»، «مفعولن (---)» آمده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۸۶)

۳۴- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا احمدی)

هجای پایان نیم‌مصراع نیز در اوزان دوری، بلند تلقی می‌شود (پاورقی صفحه ۸۴ کتاب علوم و فنون ادبی ۳). بر این مبنا، در مصراع‌های گزینه‌های «۱» و «۲» هجای پایانی در نیم‌مصراع اول و در مصراع گزینه «۳»، هجای پایانی در نیم‌مصراع دوم کشیده است که بنا بر اختیار وزنی بلند بودن هجای پایانی، آن‌ها را بلند تلقی می‌کنیم.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۸۴)

۳۵- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا احمدی)

از تشابه ردیف و قافیۀ عمودی چهار بیت، معلوم است که وزن هر چهار گزینه، یکی است (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن). حال با توجه به این‌که ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» با هجای بلند شروع می‌شود، در حالی که رکن اول وزنشان «فاعلاتن» است، می‌توان نتیجه گرفت که هر سه دارای اختیار وزنی آوردن فاعلاتن به‌جای فاعلاتن‌اند. هم‌چنین اختیار ابدال در هیچ‌کدام از این ابیات به چشم نمی‌خورد.

تشریح اختیارات وزنی بیت گزینه «۴»: مصراع دوم با هجای بلند شروع می‌شود و این در حالی است که رکن ابتدایی وزن «فاعلاتن» است؛ در نتیجه اختیار آوردن فاعلاتن به‌جای فاعلاتن مشهود و بدیهی است. اما راجع به ابدال، همواره اولویت با رکن پایانی است و از آن‌جایی که در وزن اصلی ابیات، «فاعلن» رکن پایانی است و از طرفی دیگر دو هجای پایانی مصراع نخست بیت گزینه «۴» بلند هستند، می‌توان نتیجه گرفت «فاعلن» به «فاعلن» تبدیل شده است و وجود ابدال نیز محرز است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۴ و ۸۵)



۳۶- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا احمدری)

در بیت، اختیار ابدال به چشم نمی‌خورد، ولی در پایان نیم‌مصراع‌های اول و سوم، اختیار بلند بودن هجای پایانی مشهود است («یست» و «طیف» بلند تلقی می‌شوند).

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وزن بیت «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» است و چهار مرتبه از اختیار قلب استفاده شده است؛ به طوری که هر چهار مفتعلن بنابر اختیار وزنی قلب به مفاعلن تبدیل شده‌اند.

گزینه «۲»: هنگام تلفظ عبارت «چینی است» صامت «ی» به بین دو واژه اضافه می‌شود که بنابر اختیار زبانی حذف همزه به شکل «چی نی یست» تلفظ می‌شود.

گزینه «۴»: مفاعلن (کَ نِ زَ کِی) فاعلن (چی نی یست) (پس مشخصاً مصوت بلند در پایان واژه «چینی» کوتاه تلفظ می‌شود). هم‌چنین واو عطف بین کلمات «نفر» و «لطیف» نیز بلند تلفظ می‌شود. مفاعلن (س پی دُ نَغ) فاعلن (زُلَ طیف)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۷- گزینه «۲»

(سیرعلیرضا احمدری)

وزن بیت «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» است و در ابتدای هر دو مصراع، فعلاتن به جای فعلاتن آمده است. در انتهای هر دو مصراع «فعلن» به چشم می‌خورد و بیت فاقد ابدال است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: قلب: وزن بیت «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» است و نیم‌مصراع اول و دوم با «مفاعلن» شروع می‌شوند. هم‌چنین مصوت کوتاه «و» در واژه «تو» در مصراع دوم بلند تلفظ می‌شود.

گزینه «۳»: ابدال: وزن بیت «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» است و بنابر اختیار وزنی ابدال نیم‌مصراع اول به شکل «مفعولن فاعلن» آمده است (بَل بُل بَر / شاخ گُل). هم‌چنین در تلفظ درست مصراع دوم، صامت ساکن «ش» در «نغمه‌اش» با حذف همزه آغازین واژه «از» به مصوت کوتاه «ب» ملحق می‌شود.

گزینه «۴»: هجای پایانی مصراع نخست کشیده است و می‌بایست بلند تلقی شود. هم‌چنین حذف همزه در عبارات «در اول» و «در آخر» مشهود است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۸- گزینه «۳»

(ممنن اصغری)

مفهوم مشترک ابیات صورت سؤال و گزینه «۳»: لازمه رسیدن به معشوق، ترک تعلقات مادی و گذشتن از حجاب خودخواهی است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: غیرممکن بودن ترک عشق یار

گزینه «۲»: ناامیدی شاعر از وصال یار

گزینه «۴»: نگرانی عاشق از ترک معشوق

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۴۰)

۳۹- گزینه «۳»

(سیرممنن هاشمی)

در این بیت تأکید شده است که پیری و سفیدشدن مو نه تنها عیب و نقصی به شمار نمی‌آید، بلکه مانند صبح دلپذیری از پس شبی تیره است. در بقیه گزینه‌ها سپیدشدن مو و فرارسیدن پیری، ناگوار دانسته شده است. در گزینه «۲»، «برف» استعاره از سپیدی مو و «پر زاغ» استعاره از موی سیاه شاعر در دوران جوانی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۵۴)

۴۰- گزینه «۲»

(فرهاد فرورزان‌کیا)

برتری عشق بر عقل و ستایش عشق یکی از بُن‌مایه‌های فکری سبک عراقی است که در ابیات گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» دیده می‌شود. این ویژگی بنیادین در بیت دوم دیده نمی‌شود. در این بیت که سروده ناصر خسرو است، عقل جایگاه برتری دارد و شاعر به پیروی سخن انسان از عقل توصیه می‌کند.

در بیت گزینه «۱»، به ازلی و ابدی بودن عشق اشاره دارد و آن را در جایگاهی والا قرار می‌دهد. در بیت گزینه «۳»، هم عقل را در برابر عشق به دبو و دیوانگی تشبیه می‌کند و در بیت گزینه «۴»، «قلم» نماد اندیشه و عقل است (وسیله بیان اندیشه) که در توصیف عشق درمی‌ماند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و مفهومی، صفحه ۳۷)

علوم و فنون ادبی (۱)

۴۱- گزینه «۴»

(عزیز الیاسی‌پور)

تشریح موارد نادرست:

(ج) رودکی و شهید بلخی شاعرانی بودند که شعر غنایی را قوت بخشیدند. فردوسی شعر حماسی را به اوج رساند.

(د) این نوع از شعر در دوره سلجوقی به پختگی رسید.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۴۳)

۴۲- گزینه «۲»

(عزیز الیاسی‌پور)

زبان پهلوی، زبان رسمی دوره ساسانی بود، نه سامانی. موارد دیگر گزینه‌ها همگی کاملاً درست‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۴۳- گزینه «۳»

(یاسین مهریان)

موضوع کتاب شاهنامه ابومنصوری تاریخ گذشته «ایران» است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۴۴ و ۴۵)

۴۴- گزینه «۱»

(یاسین مهریان)

در پایان نیم‌مصراع‌های بیت «د»، واژگانی به کار رفته‌اند که دارای سجع می‌باشند. (قافیه درونی): آتش، مفرش، خوش

توجه: در گذشته، واژه «خوش» به شکل «خَش» تلفظ می‌شده است؛ بنابراین با «آتش» و «مفرش»، قافیه درونی به‌وجود می‌آورد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۵۳)



۴۵- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا علویان)

دو واژه «کردن» و «گفت» نمی‌توانند با هم سجع بسازند.

سجع در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: زاینده و پابنده: سجع متوازی

گزینه «۲»: نشستندی و شکستندی: سجع متوازی

گزینه «۳»: چیست و کیست: سجع متوازی

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۵۲ و ۵۳)

۴۶- گزینه «۴»

(ممنسن اصغری)

کلمات مسجع و نوع سجع به ترتیب:

واجب و لازم: متوازن

عالم و آدم: متوازی

آیات و مخلوقات: مطرف

الهام و درگاه: متوازن

قدرت و حکمت: متوازی

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۵۳)

۴۷- گزینه «۳»

(مجتبی قهرهای)

هجاهای کشیده عبارت‌اند از: زار / مُلک / عِشِق (۳)

هجاهای بلند عبارت‌اند از: بَخ / شَد / هَر / ما / نِی / اِز / و / جُز / ما / لَش / اِعی /

گَر / دَا / م (۱۳)

هجاهای کوتاه عبارت‌اند از: دَا / ه / شَا / ه / اِز / اَم / اِن / اَب / اِج / اَط / اَم / اِدَان

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۴۷)

۴۸- گزینه «۴»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

در این گزینه، ۵ هجای کشیده وجود دارد (بُند - سنگ - لعل - صبر -

لیک)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ۲ هجای کشیده (نرم - کوه)

گزینه «۲»: ۳ هجای کشیده (نیست - نال - «فریاد است» در اینجا اختیار

حذف همزه صورت می‌گیرد و به صورت «فریادست» خوانده می‌شود، پس

هجای «دست» کشیده است.)

گزینه «۳»: ۱ هجای کشیده دارد.

تکته: در کلمات «عنان و همین» چون نون بعد از مصوت بلند آمده و ساکن

هست محسوب نمی‌شود و اینجا هجای کشیده نداریم.

و در این بیت فقط «دراز است» با توجه به اختیار حذف همزه «درازست»

خوانده می‌شود و «زست» هجای کشیده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۴۹- گزینه «۱»

(سیرممنر هاشمی)

در متن صورت سؤال آمده است که اقبال و سعادت صرفاً با تلاش به دست نمی‌آید و گاه راضی شدن به تقدیر، آن را در اختیار انسان می‌گذارد. در بیت گزینه «۱»، به این نکته اشاره شده است که سعادت از زشمند است که دائمی باشد نه زودگذر. بیت گزینه «۴» معشوق را به «دولت و بخت» تشبیه کرده است، اما مفهوم مشترک آن با ابیات گزینه‌های «۲» و «۳» و متن صورت سؤال این است که روی آوردن بخت را مشروط به کوشش نکرده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۵۴)

۵۰- گزینه «۳»

(سیرممنر هاشمی)

مفهوم ابیات:

الف: تنها مستی شراب عارفانه (تجلیات الهی) می‌تواند سختی‌های راه عشق را بر عاشقان هموار سازد.

ج: به تمسخر گرفتن قَد دراز شخصی!

ب: سراسر وجود تو ای محبوب، خوبی و برکت است.

د: اگر گل به سرو تنومند می‌خندد، عجیب نیست، زیرا در راه دشوار عاشقی هرکس باشی پای در گل می‌مانی.

توجه: با آنکه در بیت «د» نیز دشواری‌های راه عشق دیده می‌شود، اما مستی عارفانه تنها در بیت «الف» وجود دارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه‌های ۴۷، ۵۰، ۵۱ و ۵۸)

علوم و فنون ادبی (۲)

۵۱- گزینه «۲»

(مجتبی قهرهای)

در این دوره حاشیه‌نویسی‌های متعددی نیز به نثر ساده بر تاریخ‌های قدیم انجام گرفت. البته باید توجه داشت که این سادگی نثر همه‌جا یکسان نیست و نثر ساده این دوره را نمی‌توان فصیح و بلیغ دانست.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۵۲- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

بحث قافیه و قالب شعر از ویژگی‌های ادبی شعر است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ماضی استمراری منفی: نهدریافتی = در نمی‌یافت (ویژگی زبانی)

گزینه «۲»: چنان در طریق خدای گرم‌رو (بود): حذف فعل «بود» به قرینه

معنوی در بیت دوم (ویژگی زبانی)

گزینه «۴»: با توجه به بیان نکته اخلاقی در بیت آخر، نوع ادبی ابیات،

تعلیمی است (ویژگی فکری).

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه ۳۷)

۵۳- گزینه «۳»

(یاسین مهریان)

این بیت، فاقد مجاز است و «سر» در معنای حقیقی به کار رفته است. [توجه داشته باشید که «از گریبان وجود سر بیرون آوردن» کنایه است.]

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «شربت» مجاز از دوا و دارو

گزینه «۲»: «چشم» مجاز از توجه

گزینه «۴»: «زبان» مجاز از سخن

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)



۵۴- گزینه «۴»

(مفسن اصغری)

مجازها:

چمن ← باغ و گلزار

سر ← قصد و نیت

امروز ← زمان حال

فردا ← زمان آینده

غزل ← شعر

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: عالم ← مردم / چمن ← باغ و گلزار

گزینه «۲»: شهر ← مردم / جهانی ← مردم

گزینه «۳»: آب و رنگ ← زیبایی / چمن ← باغ و گلزار / فصل گل ← فصل بهار

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۵۵- گزینه «۴»

(هومن نمازی)

این بیت هیچ مجازی ندارد و در مصراع اول زهر را به نوش (شهد، عسل) تشبیه کرده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: حرف مجاز از سخن است.

گزینه «۲»: مصراع اول ۲ تشبیه دارد: سر زلف یار را به عقرب و پیکرش را به ماه تشبیه کرده است و سر در مصراع دوم مجازاً اندیشه معنی می‌دهد.

گزینه «۳»: «زنجیر زلف» اضافه تشبیهی است و «روز و شب» مجاز از همیشه و همه لحظه است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۵۶- گزینه «۲»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن این بیت «مفتعلن مفتعلن فاعلن» می‌باشد.

وزن سایر ابیات:

گزینه «۱»: مفاعیلن مفاعیلن فعولن

گزینه «۳»: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

گزینه «۴»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۵)

۵۷- گزینه «۱»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

موارد «الف و د» دارای وزن یکسان «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» هستند.

بررسی سایر موارد:

ب) «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن»

ج) «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن»

ه) «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن»

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۵۸- گزینه «۳»

(مهتابی فرهاری)

بیت صورت سؤال و بیت این گزینه بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن»

گزینه «۲»: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»

گزینه «۴»: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن»

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۵)

۵۹- گزینه «۳»

(مفسن اصغری)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۳»: ناپایداری مقام و عزت و ذلت دنیوی

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: عزت انسان از جانب خداست. (عزیز کرده خداوند خوار نخواهد شد).

گزینه «۲»: عزت و ذلت آدمی به دست خداوند است.

گزینه «۴»: خوار و ذلیل شدن شاعر به واسطه عشق بار

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۴۴)

۶۰- گزینه «۴»

(سیرمهر هاشمی)

مشهور ابیات:

ج: ای زیبارو! هنگامی که چهره خود را آرایش می‌کنی، دل عاشقان را می‌ربایی.

د: سبب و علت تمامی اتفاقات و حوادث جهان، تقدیر و خواست الهی است و نادان کسی است که اندیشه نویسنده را ناشی از حرکت انگشت بدانند.

ب: باید مانند نی، سر را در راه عشق باخت (جان سپردن در راه عشق).

الف: معشوق از عاشق پرسید که کیستی و عاشق پاسخ داد: تو هستم (اتحاد عاشق و معشوق).

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه‌های ۴۰، ۵۰، ۵۴ و ۵۶)

جامعه‌شناسی (۳)

۶۱- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: درست - نادرست (ویژگی لیبرال دموکراسی است).

گزینه «۲»: نادرست (هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی‌شناسد). - نادرست (قوانین و مقررات آن با خواست مردم و براساس احکام الهی و اسلامی تعیین می‌گردند).

گزینه «۳»: نادرست (در این نظام فقط می‌توان از مقبولیت قدرت حرف زد و نمی‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت). - درست

گزینه «۴»: درست - درست

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۶۹)

۶۲- گزینه «۱»

(فاطمه صفری)

بررسی موارد نادرست:

انسان در ابتدا با مقایسه عملکرد ارزش‌های سه‌گانه در دستیابی به سعادت، دانش را کاملاً مثبت، ثروت را خاکستری یا خنثی و قدرت را بیشتر منفی ارزش‌گذاری می‌کرد.

سازمان هم پیوند میان افراد و گروه‌های انسانی مانند رابطه همکاران و هموطنان و هم‌کیشان را در بر می‌گیرد که از آن به انسجام اجتماعی یاد می‌شود و هم پیوند میان نقش‌ها، واحدها و ساختارهای اجتماعی مثل رابطه اقتصاد و سیاست یا علم و سیاست را شامل می‌شود که از آن به یکپارچگی نظام تعبیر می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۴، ۶۲ تا ۶۴)



۶۳- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

ویژگی‌های سیاست و قدرت در گذشته: هرگز قدرت، مسئله اول و اصلی سیاست نبوده است. قدرت، وسیله و ابزاری برای تحقق اهداف و فضیلت‌های اخلاقی قلمداد می‌شده است. سیاست، محدوده حکومت و دولت به حساب می‌آمد. سیاست و نهاد حکومت یکی گرفته می‌شد. ویژگی‌های سیاست و قدرت در حال حاضر: قدرت به مسئله اصلی سیاست و جوهر آن تبدیل شده است. سیاست با غایت و هدف سعادت و فضیلت، دآوری نمی‌شود، بلکه بیشتر با آرمان پیروزی، موفقیت و تسلط ارزیابی می‌گردد. تمامی جامعه، می‌تواند قلمرو سیاست باشد. سیاست را با هیچ مقوله عینی و محسوس یکی نمی‌گیرند.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

۶۴- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

- اعمال قدرت اقماعی، نیازمند وجود سازمان است.
- قدرت، ضمانت اجرای هرگونه عمل جمعی است.
- در جوامع نخستین، قدرت بدنی (شخصیت) منبع دستیابی به قدرت تنبیهی بود.
- هر کنش سیاسی، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می‌شود یا با هدف حفظ آن.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۸، ۶۱، ۶۲ و ۶۳)

۶۵- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

اشتراک قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی این است که در هر دو، پیروی‌کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود، آگاهی دارد. تصمیم‌گیری درباره مسائل مشترک و رفع اختلاف‌ها و تضادها میان افراد و گروه‌هایی که با هم زندگی می‌کنند، سیاست و عمل سیاسی را در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد.

جامعه‌شناسی تبیینی با منحصر کردن علم به علوم تجربی که صرفاً موضوعات مادی و محسوس را مطالعه می‌کند، ارزش‌های انسانی از جمله ارزش‌های سیاسی را که تماماً مادی و محسوس نیستند، قابل مطالعه علمی نمی‌داند و ناگزیر با معنزدایی و ارزش‌زدایی از سیاست و قدرت و فروکاستن آن‌ها به پدیده‌های مادی و فاقد معنا، از شناخت واقعی آن‌ها باز می‌ماند.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۶، ۶۰ و ۶۷)

۶۶- گزینه «۱»

(فاطمه صفری)

مطالعه جوامع و فرهنگ‌ها با رویکرد تفسیری ما را با مشکل مواجه می‌سازد: تعدد و تنوع فرهنگ‌ها و جوامع معاصر و قدیمی، علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان‌ناپذیر و تمام‌نشدنی می‌سازد. البته فرهنگ‌های مختلف معمولاً به مرزهای خودشان محدود نمی‌مانند و ما را ناگزیر از مقایسه ارزش‌ها برای تشخیص ارزش‌های صحیح از ارزش‌های غلط می‌سازند. ولی وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته‌اند، ببیند و بررسی کند، امکان مقایسه و دآوری فرهنگ‌ها و ارزش‌ها از دست می‌رود.

ارزش اجتماعی سازمان، دانش است.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۶۳ و ۶۷)

۶۷- گزینه «۲»

(آزیتا بیدرقی)

تفاوت در زبان و لهجه ← تفاوت اسمی
تفاوت در قد و وزن ← تفاوت رتبه‌ای
علت نابرابری‌های اجتماعی در دیدگاه مخالفان قشربندی اجتماعی ← مالکیت خصوصی و روابط سلطه‌جویانه
علت نابرابری‌های اجتماعی در دیدگاه طرفداران قشربندی اجتماعی ← نابرابری‌های طبیعی
اشتراک رویکردهای تبیینی و تفسیری از دیدگاه جامعه‌شناسی انتقادی ← محافظه‌کارند و انسان را منفعل و مجبور می‌سازند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۲، ۷۵، ۷۶ و ۷۹)

۶۸- گزینه «۱»

(آزیتا بیدرقی)

طرفداران قشربندی اجتماعی ← نمی‌تواند نابرابری اجتماعی میان افرادی که در طبقات اجتماعی مختلف متولد می‌شوند را توضیح دهد. (ب)
جدایی دانش از ارزش ← انتقاد از وضعیت موجود و تجویز راه‌حل، کار علم نبود. (د)
نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود و انگیزه رقابت از بین می‌رود و راه پیشرفت مادی مسدود می‌شود ← مدل کمونیستی (الف)
حوزه رقابت و برابری ← مالیات ابزاری برای کاهش فاصله طبقاتی است. (ج)

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۵ تا ۷۹)

۶۹- گزینه «۴»

(آزیتا بیدرقی)

علت تأیید و تثبیت قشربندی در رویکرد اول ← تأکید بر کارکردهای قشربندی
معنای عبارت دهقانان شبیه برده بودند. ← نظام فئودالی
پيامد در رویکرد دوم افراد توانمند و کوشا به اندازه استحقاقی که دارند از مزایای اجتماعی برخوردار نمی‌شوند. ← ناعادلانه بودن رویکرد مخالفان قشربندی

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۵ و ۷۷)

۷۰- گزینه «۳»

(آزیتا بیدرقی)

تشریح عبارت نادرست:

تأکید رویکرد مخالفان قشربندی نشان می‌دهد که آنان خواهان از میان برداشتن قشربندی هستند و در این رویکرد انگیزه رقابت از بین می‌رود و راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

جامعه‌شناسی (۲)

۷۱- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

تفاوت راهبردی استبداد استعماری با استبداد ایلی ← در سایه قدرت و سلطه جهان غرب عمل می‌کرد، برای تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت.

راه‌هایی از نظام سرمایه‌داری از دیدگاه مارکس ← انقلاب کارگری

پیامد غلبه قدرت‌های قومی و قبیله‌ای بر جوامع اسلامی ← مانع می‌شد تا ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اجتماعی آن به‌طور کامل آشکار شود.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۲۹، ۳۱ و ۳۲)

۷۲- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

شکل‌گیری مرحله جدید گسترش فرهنگ اسلامی ← الهام از انقلاب اسلامی و بازگشت به سوی هویت اسلامی

نمایان شدن ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای جاهلی در دوران خلافت ← شکل‌گیری قدرت در جامعه اسلامی براساس روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای

مخدوش شدن وحدت امت اسلامی ← استفاده از مکاتب غربی در مقابله با استعمار

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۲۹ و ۳۲)

۷۳- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

تشریح عبارت نادرست:

دولتمردان جوامع اسلامی در دوره استعمار از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری می‌کردند و می‌کوشیدند با رعایت ظواهر اسلامی، ظاهر دینی خود را حفظ کنند.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۲۸ و ۳۱)

۷۴- گزینه «۴»

(شهریار عبدالله)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: توضیح مفید بودن نماز با مطابقت دادن آن به حرکات ورزشی اشاره به سکولاریسم پنهان دارد.

گزینه «۲»: پروتستانتیسم شامل رویکرد گزینشی فرهنگ غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان است.

گزینه «۳»: اومانیزم از نتایج حاصل از سکولاریسم است؛ زیرا براساس هستی‌شناسی (سکولاریسم) است که انسان‌شناسی (اومانیزم) شکل می‌گیرد.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۰)

۷۵- گزینه «۲»

(شهریار عبدالله)

تشریح موارد نادرست:

آبادی دنیا در فرهنگ معنوی و دینی هدف مستقلی نیست؛ بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به اهداف والاتر نه اینکه اصلاً جزو اهداف نباشد.

دنیسم از نتایج عقل‌گرایی و نفی وحی است.

در فرهنگ‌های دینی افراد ناگزیر رفتارهای دنیوی خود را توجیه دینی و معنوی می‌کنند.

روشنگری در معنای خاص در بیش از چهارصد سال گذشته شکل‌های مختلفی به خود گرفته که وجه مشترک همه آن‌ها کنار گذاشتن وحی و شهود در شناخت حقیقت بود.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۳۸، ۴۰ و ۴۲)

۷۶- گزینه «۱»

(شهریار عبدالله)

فروریختن اقتدار کلیسا (علت) باعث ظهور پادشاهان و قدرت‌های محلی به عنوان رقیبان دنیاطلب کلیسا (معلول) شد.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۷، ۴۸، ۵۰ و ۵۲)

۷۷- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

- طی قرون وسطی، آباء کلیسا از شعارها و مفاهیم معنوی و توحیدی استفاده می‌کردند.

- در فرهنگ اساطیری یونان و روم، خداوندگاران متکثر پرستیده می‌شدند.

- در فرهنگ اساطیری یونان و روم باستان با غفلت از نگاه توحیدی به عالم، خداوندگاران متکثر پرستیده می‌شدند.

- رنسانس به معنای تجدید حیات و تولد دوباره است و از قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی را شامل می‌شود.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۷ و ۴۹)

۷۸- گزینه «۲»

(شهریار عبدالله)

تشریح موارد نادرست:

حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی (پروتستانتیسم) در جهت اصلاح دینی پدید آمدند. بخشی از این حرکت‌ها فقط با قدرت پاپ مخالفت داشتند و با جریان دنیاگرا تقابل نداشتند، بخشی دیگر رویکرد معنوی داشتند و در تقابل با رویکرد دنیاگرا قرار گرفتند؛ حرکت‌های نوع اول با حمایت قدرت‌های محلی توانستند بخشی از اروپای مسیحی را از تسلط کلیسا خارج کنند ولی حرکت‌های نوع دوم مورد هجوم دیگر کاتولیک‌ها و دیگر پروتستان‌ها قرار گرفتند و امکان گسترش نیافتند.

پیامد تحریف مسیحیت قرون وسطی در سطح زندگی و عمل: به سوی نوعی دنیاگرایی گام برداشتند و کلیسا در این مقطع، رفتار دنیوی خود را در پوشش معنوی و دینی توجیه می‌کرد.

انقلاب فرانسه در دوران رنسانس و اندیشه‌های فلسفی روشنگری و تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی ریشه دارد.

پیامد تحریف مسیحیت قرون وسطی در سطح زندگی و عمل: به سوی نوعی دنیاگرایی گام برداشتند و کلیسا در این مقطع، رفتار دنیوی خود را در پوشش معنوی و دینی توجیه می‌کرد.

انقلاب فرانسه در دوران رنسانس و اندیشه‌های فلسفی روشنگری و تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی ریشه دارد.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۸، ۴۹، ۵۱ و ۵۳)



۷۹- گزینه «۴»

(ریاضه امینی)

لیبرالیسم، اندیشه سیاسی جدیدی است که براساس اصالت بخشیدن به انسان دنیوی (اومانیسم) شکل می‌گیرد و خواست و اراده آدمی را مبدأ قانون‌گذاری می‌داند. لیبرالیسم را مباح دانستن همه امور در قیاس با خواست انسان تعریف کرده‌اند. این به معنای آزادی انسان از همه ارزش‌های متعالی است که از او مستقل باشد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۵۳)

۸۰- گزینه «۳»

(ریاضه امینی)

تشریح عبارت نادرست:

حرکت‌های اعتراض‌آمیز رنسانس، به جای بازگشت به سوی حقیقت الهی انسان، به رویگردانی از نگاه معنوی منجر شد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۸ و ۵۱)

جامعه‌شناسی (۱)

۸۱- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

در جهان اجتماعی، بُعد معنایی و ذهنی پدیده‌ها، اهمیت بسیاری دارد. در یکی از بحران‌های اقتصادی که کشورهای صنعتی دچار مشکل شده بودند، بنا به محاسبات اقتصادی می‌بایست نفت را به گران‌ترین قیمت از کشورهای نفت‌خیز خریداری می‌کردند، ولی جالب است بدانید به ارزان‌ترین قیمت ممکن، نفت مورد نیاز خود را خریدند؛ زیرا در کشورهای نفت‌خیز، بُعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت؛ ولی بُعد ذهنی و معنایی آن مفقود بود و صاحبان آن کشورها از اهمیت نفت و وضعیت کشورهای صنعتی و نیاز ضروری آن‌ها به نفت اطلاع کافی نداشتند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۲۸)

۸۲- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

رؤیایپردازی در مورد آینده تحصیلی خود: خرد و ذهنی
جنگ جهانی اول: کلان و عینی
کمک به فقرا: خرد و عینی
عدالت اجتماعی: ذهنی و کلان

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۷ و ۲۸)

۸۳- گزینه «۳»

(ریاضه امینی)

دیدگاه طولی:

عده‌ای از جامعه‌شناسان معتقدند همه جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و بر همین اساس عده‌ای از جوامع مسیر یکسانی را نیز طی می‌کنند؛ یعنی همه آن‌ها شبیه یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوتشان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مراحل بزرگسالی پیدا می‌کند. این عده، نگاه خطی به تاریخ بشر دارند. در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند؛ بعضی از آن‌ها در این مسیر واحد، پیشرفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته، عقب‌مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب‌مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.

دیدگاه عرضی:

در مقابل، عده دیگری از اندیشمندان اجتماعی معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند. برخی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، زمانی طولانی دوام می‌آورند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. مردم‌شناسان بر همین اساس از جهان‌های اجتماعی متفاوت همچون غرب، اسلام، چین و هند یاد می‌کنند.

در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ اما هیچ‌یک از آن‌ها با حفظ هویت خود نمی‌توانند مسیر دیگری را ادامه دهد. جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالان با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. مطابق با نیاز خود، از دستاوردهای جهان‌های اجتماعی دیگر بهره می‌برد. در صورتی که لازم باشد، تغییراتی در آن‌ها به وجود می‌آورد و سپس از آن‌ها استفاده می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۸۴- گزینه «۴»

(ریاضه امینی)

تغییراتی که در لایه‌های سطحی رخ می‌دهد، نمی‌تواند جهان اجتماعی فعلی را به جهانی دیگر تبدیل کند. اما تغییراتی که در لایه‌های عمیق رخ می‌دهد از نوع تغییراتی‌اند که جهان اجتماعی را به جهانی دیگر تبدیل می‌کنند. - افزایش نرخ تورم در ایران، در لایه‌های سطحی قرار دارد؛ زیرا نمی‌تواند جهان اجتماعی فعلی را به جهانی دیگر تبدیل کند.

- افزایش جمعیت در هند نیز در لایه‌های سطحی این جامعه رخ می‌دهد.

- با ظهور اسلام عقاید جاهلی در عربستان نابود شد و جهان اجتماعی موجود به طور کلی تغییر کرد. بنابراین این تغییر مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی است.

- تفاوت در هنجارها (نوع نماز خواندن) از جمله تغییرات در لایه‌های سطحی است و قادر به تغییر جهان اجتماعی نیست.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

۸۵- گزینه «۳»

(شهریار عبدالله)

تنوع در آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع در اراده و اختیار سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود. تحول در عقاید و ارزش‌ها (عمیق‌ترین و بنیادین‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی) سبب تحول جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

جامعه‌شناسی (۲)

۸۶- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

تفاوت راهبردی استبداد قومی با استبداد استعماری این است که استبداد قومی با وجود اینکه دارای هویتی غیراسلامی بود به دلیل اینکه پشتوانه و پیشینه‌ای خارج از جهان اسلام نداشت، از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری می‌کرد و می‌کوشید با رعایت ظواهر اسلامی، ظاهر دینی خود را حفظ کند. در مقابل، استبداد استعماری به دلیل اینکه در سایه قدرت و سلطه جهان غرب عمل می‌کرد، برای تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت. حکومت پهلوی مبتنی بر استبداد استعماری بود.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۳۱)



عربی زبان قرآن (۳) و (۲)

۹۱- گزینه ۲

(مرتضی کاظم شیروردی)
«سَجَدَ»: سجده کردند (رد گزینه ۴) / «الملائكة»: فرشتگان / «كَلِمَةً»: همگی شان / «أجمعون»: جملگی، جمعی / «إلّا»: جز (رد گزینه ۳). دقت کنید در صورتی از «فقط، تنها» استفاده می‌شود که مستثنی‌منه در جمله نباشد، درحالی که در اینجا، «الملائكة» مستثنی‌منه است. / «استکبر»: تکبر ورزید (رد گزینه ۱) / «کان من الکافرین»: از کافران بود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) (ترجمه)

۹۲- گزینه ۱

(بهرروز هیدربگی)
«الألفاظ الّتی»: الفاظی که (رد گزینه ۴) / «شاع»: ماضی است) رواج یافت (رد گزینه ۳) / «نطقوا»: ماضی و به معنای «بر زبان آوردند» است (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «کلمات فارسیّة»: ترکیب وصفی نکره است) کلماتی فارسی (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «وقفاً»: براساس، طبق / «ضوابطهم الصوتیّة»: قواعد آوایی شان (رد گزینه ۳) (ترجمه)

۹۳- گزینه ۳

(ولی برهی - ابهر)
«بِعَجِبَ الإنسان»: انسان را در شگفت می‌آورد (رد گزینه ۴) / «فَلّاح عجوز»: (نکره) کشاورز پیری (رد گزینه ۱) / «الفسائل المُختلفة»: نهال‌های مختلف (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أنه»: که او (رد گزینه ۲) / «یعلم جیداً»: خوب می‌داند (رد گزینه ۴)؛ «خوب» در جایگاه نامناسی آمده است. / «أثمارها»: میوه‌های آن‌ها (رد گزینه ۴) / «أبدأ»: هرگز (رد گزینه ۱) (ترجمه)

۹۴- گزینه ۳

(سیره مهیا مؤمنی)
«ما من ...»: هیچ ... نیست (رد گزینه ۲) / «غرساً»: نهالی، یک نهال (اسم نکره باید به صورت نکره ترجمه شود، نه معرفه) (رد گزینه ۱) / «یخرُجُ»: خارج می‌شود، خارج می‌گردد (رد گزینه ۴) / «تَمَر»: میوه (اسم مفرد باید به صورت مفرد ترجمه شود). (رد گزینه ۴) (ترجمه)

۹۵- گزینه ۴

(ولی برهی - ابهر)
«إن»: اگر (رد گزینه ۳) / «تَطَالع»: (فعل شرط) مطالعه بکنی (رد گزینه ۱) / «تفهم»: (جواب شرط) می‌فهمی (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أكبر الكائنات»: بزرگترین موجودات (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «قد یبلغ»: گاهی می‌رسد، شاید برسد (رد گزینه ۳) / «وزنه»: وزنش (رد گزینه ۲) در گزینه «۱» هم «تیز» اضافی است. (ترجمه)

۹۶- گزینه ۳

(بهرروز هیدربگی)
«یعطی»: داده شود» مجهول است که به اشتباه، معلوم ترجمه شده است، همچنین «ألفی»: دو هزار» (در اصل «ألفین» بوده) متناست که به اشتباه در ترجمه مفرد آمده است. (ترجمه)

۸۷- گزینه ۴

(فاطمه صفری)
بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، برای مقابله با سلطه استعمار، از مکاتب و روش‌های غربی مانند ناسیونالیسم (ملّی‌گرایی) یا مارکسیسم استفاده می‌کردند.
انسان از دیدگاه اسلام، مسئول آباد کردن این جهان و موظف به پرهیز از فساد در آن است.
قبل از ظهور اسلام، شبه‌جزیره عربستان، فرهنگ جاهلی قبیله‌ای داشت. شمال غربی شبه‌جزیره، تحت نفوذ و سلطه امپراتوری روم و جنوب‌شرقی آن تحت تأثیر و سلطه شاهنشاهی ایران بود.
مارکس انقلاب طبقاتی (انقلاب کارگران علیه سرمایه‌داران) را تنها راه‌هایی از چنگال نظام سرمایه‌داری و مشکلات آن می‌دانست. (پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۲۷، ۲۸ و ۳۲)

۸۸- گزینه ۴

تشریح مورد نادرست:

انقلاب فرانسه ریشه در دوران رنسانس و اندیشه‌های فلسفی روشنگری و تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی دارد.
(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۳۸، ۴۲ و ۵۰)

۸۹- گزینه ۲

شکل صحیح جدول:

روشنگری		
دوره زمانی	ویژگی	پیامد
قرن هفدهم و هجدهم	عقل‌گرایی، نفی وحی	دنیسم
قرن نوزدهم و بیستم	حسن‌گرایی، نفی عقل و وحی	دانش‌ابزاری
پایان قرن بیستم	افول تجربه‌گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و وحی	بحران معرفتی

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۳۹)

۹۰- گزینه ۱

(ریحانه امینی)
رویکرد سکولار که پیش از آن، از طریق هنر و تفاسیر پروتستانی از دین در زندگی اجتماعی و فرهنگ عمومی گسترش پیدا کرده بود، با فلسفه‌های روشنگری، عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ غرب را تسخیر کرد. دنیاگرایی رایج در سطح هنجارها، رفتارها و زندگی مردم، زمینه گسترش فلسفه‌های روشنگری را فراهم آورد.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۵۰)



۹۷- گزینه «۳»

(ولی بریی - ابرو)

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»، «حارس المرمی» مفرد است که به صورت جمع ترجمه شده است و نادرست است. (جمع حارس، «حُرَّاس» می‌شود). در گزینه «۲»، «جناحیه» مثنی است که به ضمیر «ه» اضافه شده و نون آن حذف شده است و باید به صورت (دو بالش یا بال‌هایش) ترجمه شود، در این گزینه «ثمانین» نیز ۸۰ است، نه ۳۰. در گزینه «۴»، «اکبر» بر وزن «أفعل» و اسم تفضیل است، بنابراین ترکیب «اکبر علماء» باید به صورت «بزرگترین دانشمندان» ترجمه شود.

(ترجمه)

۹۸- گزینه «۳»

(سیره میا مؤمنی)

«کودکی گریان»: (موصوف و صفت نکره) طفلاً باکیاً (رد گزینه ۲) / «در خیابان»: فی الشارع (رد گزینه ۲) / «مادرش»: أمه («طفل» مذکر است پس باید ضمیر مرتبط با آن نیز مذکر بیاید). (رد گزینه ۱) / «آن کودک»: الطفل (در تعریف این ترکیب، باید یک اسم دو بار تکرار شود؛ بار اول نکره و بار دوم همراه با «ال» ← رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۹۹- گزینه «۴»

(مرتضی کاظم شیروزی)

ترجمه عبارت صورت سؤال: هر که بسیار تلاش کند به هدفش می‌رسد و میوه تلاش را درو می‌کند؛ این عبارت درباره تلاش کردن و نتیجه تلاش است. عبارت داده شده، به این معنا نیست که انسانی ناامید شده باشد و برایش این‌گونه امیدآفرینی کنند که اگر خداوند از روی حکمت دری را بسته، از روی رحمت خویش، در دیگری را باز خواهد کرد. پس مفهوم گزینه «۴» نامناسب است.

(مفهوم)

۱۰۰- گزینه «۳»

(مرتضی کاظم شیروزی)

یَدْخُلُ: ثلاثی مجرد است، نه مزید. مصدرش نیز «دَخُول» است. اگر فعل مضارع، مزید از باب افعال باشد، با ضمه روی حرف مضارعه می‌آید؛ یعنی به صورت «یَدْخُلُ».

(تلیل صرفی و اعراب)

۱۰۱- گزینه «۴»

(مرتضی کاظم شیروزی)

«المُعْرَبَات» جمع مؤنث سالم است، نه جمع مکسر. نکته: درباره «الكتاب» ← معمولاً هرگاه اسمی بار اول به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود، می‌توان الف و لامش را به معنی «این، آن» ترجمه کرد.

(تلیل صرفی و اعراب)

۱۰۲- گزینه «۱»

(مرتضی کاظم شیروزی)

الأدب: معرفه به ال است نه اسم عَلَم. (اسم عَلَم یعنی نام مخصوص کسی یا چیزی یا جایی، که در زبان فارسی «اسم خاص» نامیده می‌شود). همچنین کلمه «الأدب» مستثنی است، نه مستثنی منه. زیرا مستثنی منه قبل از «إل» می‌آید. در این جا، کلمه «الأشیاء» مستثنی منه است.

(تلیل صرفی و اعراب)

۱۰۳- گزینه «۴»

(درویشعلی ابراهیمی)

در گزینه «۴»، «تَغَيَّرَت» فعل ماضی از صیغه مفرد مؤنث غائب است و با حرکت ساکن بر روی (ت)، صحیح است. همچنین «أوزان» جمع مکسر است و مثل «أصوات»، مرفوع می‌شود و در آخرش، علامت ضمه می‌گیرد؛ بنابراین «أوزان» صحیح است.

(ضبط حرکات)

۱۰۴- گزینه «۱»

(بهروز هیدرکی)

«تحریمی» از صیغه مفرد مؤنث مخاطب است، پس «من» به معنای «هرکس» مناسب نیست، (رد گزینه ۳) «إذا» نیز قدرت ایجاد تغییر در ظاهر فعل مضارع را ندارد، ضمناً فعل دوم به «الآخرین» بر می‌گردد که باید جمع غایب باشد نه مخاطب، (رد گزینه ۲) همچنین دلیلی برای حذف «ن» در فعل دوم وجود ندارد. (رد گزینه ۴) ترجمه عبارت تکمیل شده: اگر به دیگران احترام بگذاری، آنان نیز به تو احترام می‌گذارند!

(انواع جملات)

۱۰۵- گزینه «۴»

(میدررضا قانزادینی)

در این گزینه، «تَغَيَّرَ» فعل شرط است که مضارع از صیغه مفرد مذکر مخاطب و از باب «تَفْعِيل» محسوب می‌شود.

نکات مهم درسی:

هرگاه فعل شرط و جواب شرط از نوع مضارع باشند، آخر فعل مضارع ساکن می‌شود یا «نون» آخر فعل مضارع به جز در صیغه «جمع مؤنث» حذف می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «تَعَلَّمَ» فعل شرط است که فعل ماضی از صیغه مفرد مذکر غائب و از باب «تَفَعَّلَ» به معنای «یاد گرفت» می‌باشد.

گزینه «۲»: «تَحَمَّلَ» فعل شرط است که فعل ماضی از صیغه مفرد مذکر غائب و از باب «تَفَعَّلَ» به معنای «تحمل کرد» می‌باشد.

گزینه «۳»: در این گزینه، اسلوب شرط وجود ندارد و «یَدْرُسُ» نیز فعل شرط نیست.

(انواع جملات)

۱۰۶- گزینه «۱»

(ولی بریی - ابرو)

در گزینه «۱» اسم نکره‌ای وجود ندارد، دقت کنید در این گزینه، «حامد» معرفه به علم است و علم‌های مذکر عربی تنوین می‌گیرند اما این تنوین، نشانه نکره بودن آن‌ها نیست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۲»، «أَعْلَمَ» نکره است. در گزینه‌های «۳» و «۴» نیز «جماعة» و «سواء» نکره بوده و از انواع معرفه‌ها نیستند.

(قواعد اسم)

۱۰۷- گزینه «۴»

(سیره میا مؤمنی)

در گزینه «۴»، «کَرِيهَةٌ» خبر است (خبر بدون صفت) و خبر تنها و بدون صفت یا جمله وصفیه، با اینکه نکره می‌آید، می‌تواند به صورت معرفه ترجمه شود.

ترجمه عبارت: «بوی درخت، بد است و حیوانات از آن فرار می‌کنند!»

(قواعد اسم)



۱۰۸- گزینه «۲»

(پهروز هیدریکی)

ترجمه عبارت صورت سؤال: «از میان دانش‌آموزان، در امتحان قبول نشد مگر محمد» از عبارت پیشین نتیجه می‌گیریم ... (گزینه نادرست را مشخص کن.)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فقط محمد در امتحان قبول شد!
گزینه «۲»: در امتحان مردود نشد مگر محمد!
گزینه «۳»: قبول نشد در امتحان مگر محمد!
گزینه «۴»: فقط محمد در امتحان مردود نشد!

(استثناء)

۱۰۹- گزینه «۴»

(سیره مهیا مؤمنی)

در این گزینه «مستثنی منه» وجود ندارد. (ترجمه: از عربی به فارسی ترجمه نشده است، مگر یک عبارت کوتاه!)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «الأولاد» مستثنی منه است.
گزینه «۲»: «طالب» مستثنی منه است.
گزینه «۳»: «الطلاب» مستثنی منه است.

(استثناء)

۱۱۰- گزینه «۱»

(ولی بریی - ابهر)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مَحاصیل» اسم مفعول و مستثنی منه است، دقت کنید برای تعیین اسم مفعول در جمع‌ها باید به مفرد آن‌ها رجوع کرد؛ «مَحاصیل» جمع «مَحصول» بر وزن مفعول است.

گزینه «۲»: «أحد» مستثنی منه است نه «المظلومین».

گزینه «۳»: «المُسافرون» مستثنی منه است اما اسم فاعل است نه اسم مفعول.

گزینه «۴»: «المُخترعات» اسم مفعول است اما مستثنی منه نیست و در این عبارت «الأمراض» مستثنی منه است.

(استثناء)

عربی زبان قرآن (۱)

۱۱۱- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

«لا تكونن»: هرگز نباش / «من الذين كذبوا بآيات الله»: از کسانی که آیات خداوند را تکذیب کردند / «فتكون من الخاسرين»: که از زیان‌کاران باشی

(ترجمه)

۱۱۲- گزینه «۱»

(سیره مهیا مؤمنی)

«نقاط الخلاف والعداوة»: نقاط اختلاف و دشمنی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «لا يتنفع»: سود نمی‌برد، بهره‌مند نمی‌شود (این فعل لازم و مضارع است)

(رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «أن تتعائشوا تعائشاً سلمياً»: همزیستی مسالمت‌آمیز کنید (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۱۳- گزینه «۴»

(پهروز وغان)

«تَحَيَّرَ»: متحیر شدند (فعل ماضی از باب تفعل است، دقت کنید با فعل مضارع باب تفعیل «تَحَيَّرُ» اشتباه نشود) (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «من تسأطُفُ»: از افتادن (مصدر باب تفاعل است، نه فعل) (رد گزینه ۱) / «الأسماك من السماء»: ماهی‌ها از آسمان / «ما كانوا يُصدّقون»: (فعل ماضی استمراری) باور نمی‌کردند (رد گزینه ۳) / «أن هذه الظاهرة تكونُ أمرأً طبيعياً»: که این پدیده امری طبیعی باشد (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۱۴- گزینه «۳»

(درویشعلی ابراهیمی)

«جست‌وجو کن»: (فعل امر مخاطب) «إبْحَثْ عَنْ (رد سایر گزینه‌ها) / «داستان زیبای»: قصّة ... الجميلة، القصة الجميلة (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «پیرمرد و دریا»: الرجل المسنّ و البحر (رد گزینه ۴) / «مطالعه نما»: (فعل امر مخاطب) إقْرَأْ (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه)

۱۱۵- گزینه «۳»

(درویشعلی ابراهیمی)

در گزینه «۳» که پاسخ سؤال است، راجع به همنشین خوب (دوست) صحبت شده است، همان‌طور که حدیث صورت سؤال هم به این مطلب اشاره دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»، صحبت بر سر لطف خداوند نسبت به همه مردم است، در گزینه‌های «۲» و «۴» هم صحبت بر سر شرایط دوست واقعی است.

(مفهوم)

۱۱۶- گزینه «۳»

(ممدعلی کاظمی نصرآبادی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مفردها: طالب» نادرست و صحیح آن «طالبة» است. «خبر» نیز نادرست است.

گزینه «۲»: «مصدرها: جهاد» نادرست و صحیح آن «اجتهاد» است.

گزینه «۴»: «اسم مفعول من مجرد ثلاثی» نادرست و صحیح آن «اسم مفعول من مزید ثلاثی» است.

(تقلیل صرفی و اعراب)

۱۱۷- گزینه «۳»

(پهروز وغان)

موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «تَلَوْتُ ← تَلَوْتُ مصدر از باب تفعل است، نه فعل، و حرکت عین‌الفعلش در مصدر، مانند وزن «تَفَعَّلَ» می‌آید (مصدر بودنش را از مضاف‌الیه آن «الهواء» که کسره دارد و مجرور است، می‌توانیم بفهمیم، چون بعد از فعل، بلافاصله اسم مجرور نمی‌آید).

گزینه «۲»: «إِنْسَحَبَ ← إِنْسَحَبَ مصدر از باب انفعال است.

گزینه «۴»: «الإعشاب ← الأعشاب: جمع مکسر کلمة «العُشْب» است.

(ضبط حرکات)

۱۱۸- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

«او متن‌های عربی را به زبان انگلیسی ترجمه می‌کند»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «هو ما أخبرنا!» صحیح است.

گزینه «۳»: «هي تقدّمت!» صحیح است.

گزینه «۴»: «أنتِ ترخمين!» صحیح است.

(انواع هملات)



۱۱۹- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیروزی)

فعل «يُخْرِجُ» مضارع ثلاثی مزید از باب «إفْعال» و مصدر آن «إِخْرَاجٌ» است. **تکته:** این وزن‌ها از ثلاثی مزید باب «إفْعال» را به خاطر بسپارید: (أَفْعَلُ / يُفْعِلُ / أَفْعِلُ / إِفْعَالُ) **تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: «تَسْتَوِي» مزید باب «افتعال» است / «إِدْفَعُ» فعل امر و ثلاثی مجرد از ریشه «د، ف، ع» است نه مزید / أَحْسَنُ: اسم تفضیل به معنای «نیکوتر» است نه فعل.

گزینه «۳»: «لَا يَجُوزُ» ثلاثی مجرد است / «الإِصْرَارُ» مصدر بر وزن «إفْعال» است نه فعل. (دقت کنید صورت سؤال فعلی را خواسته که مصدرش بر وزن «إفْعال» باشد.)

گزینه «۴»: «أَعْلَمُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد از ریشه «ع، ل، م» است.

(قواعد فعل)

۱۲۰- گزینه «۳»

(سیره میا مؤمنی)

با توجه به مبتدا یعنی «بنت» که مؤنث است، متوجه می‌شویم «تَقَدَّمَ» فعل مضارع و مؤنث از باب «تفعیل» است و حرف «ت» علامت مضارع و مؤنث بودن آن است ← «تَقَدَّمَ» **تشریح سایر گزینه‌ها:**

در گزینه‌های دیگر، «تَبَيَّنَ، تَجَمَّعُوا و تَكَلَّمَ» همگی ماضی مذكر و از باب «تَفَعَّلَ» هستند و حرف «ت» جزئی از خودشان است و علامت مضارع بودن نیست.

(قواعد فعل)

عربی زبان قرآن (۲)

۱۲۱- گزینه «۲»

(همیرضا قانرامینی)

«لَيَجْعَلَنَّ»: که قرار دهد (رد سایر گزینه‌ها) / «ما يُرِيدُ»: نمی‌خواهد (رد گزینه ۱) / «حَرَجٌ»: حالت بحرانی **تکات مهم درسی:**

«ما» علاوه بر فعل ماضی، گاهی فعل مضارع را نیز منفی می‌کند. فعل مضارعی که پس از حرف «لِ» می‌آید، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. (ترجمه)

۱۲۲- گزینه «۳»

(سیره میا مؤمنی)

«أَرَادَ»: بخواهد (فعل شرط در جمله شرطی، به صورت التزامی ترجمه می‌شود). (رد گزینه ۲) / «غِشَاءُ الْخَاصِّ»: پوسته مخصوصش را (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «يُفْتَحُ»: (فعل مضارع معلوم) باز می‌کند، می‌گشاید (رد گزینه ۱) / «المِظَلَّةُ»: چتر (اسم معرفه باید به صورت معرفه ترجمه شود). (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۱۲۳- گزینه «۴»

(سیره میا مؤمنی)

«دَخَلَتِ الْعَرَبِيَّةُ مِنْ لُغَاتٍ أُخْرَى»: از زبان‌های دیگری وارد زبان عربی شده (رد گزینه‌های ۱ و ۳؛ دقت کنید در گزینه ۳ جابه‌جا بیان شده است.) / «تَسَنَّى»: نامیده می‌شوند (این فعل مضارع و مجهول است). (رد گزینه ۲) / «العربُ»: عرب‌ها / «أَوْزَانُ»: وزن‌ها (رد گزینه ۳) / «وَفَّقَ»: بر اساس

(ترجمه)

۱۲۴- گزینه «۴»

(پیروز وپان)

«بَيَّنَّ» به معنی «آشکار کند» است، «أَهْدَافَ» نیز مفعول آن و منصوب است، پس باید به صورت مفعول ترجمه شود. همچنین ترجمه دقیق «عندهم»، به صورت «نزد آنان» است.

(ترجمه)

۱۲۵- گزینه «۴»

(پیروز وپان)

هر کس دشمنی بکارد، زبان درو می‌کند ← یعنی نتیجه بدی شخص به خودش برمی‌گردد.

مفهوم عبارت داده شده تنها بازگشت اعمال بد است، در صورتی که در عبارت مقابلش، از بازگشت اعمال نیک و بد سخن گفته شده است.

در سایر گزینه‌ها، جملات داده شده، به مفهوم عبارات بسیار نزدیک هستند.

(مفهوم)

۱۲۶- گزینه «۴»

(همیرضا قانرامینی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

«تَبَادُلُ» اسم و مصدر از فعل ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُلُ» است (رد گزینه «۱»).

«المُفْرَدَاتُ» نقش مضاف‌الیه را برای «تَبَادُلُ» دارد (رد گزینه «۲»).

«طَبِيعِيٌّ» اسم معرب است (رد گزینه «۳»).

تکات مهم درسی:

(۱) اسامی تنوین‌دار، همواره معرب هستند.

(۲) مراقب باشیم که در افعال ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُلُ» و «تَفَعَّلَ»، فعل ماضی را با مصدر اشتباه نگیریم. بهترین راه برای تشخیص، توجه به معنا و مفهوم یا ساختار جمله داده شده است.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۲۷- گزینه «۲»

(مهمعلی کاظمی نصرآبادی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «اسْتَمَعَ، تَنَشَّدَ» نادرست و صحیح آن «اسْتَمَعَ (مزید از باب افتعال)، تَنَشَّدَ (مزید از باب افعال)» است.

گزینه «۳»: «بَتَّعَاوَنُ» نادرست و درست آن «يَتَّعَاوَنُ» از باب تَفَاعُلُ است.

گزینه «۴»: «مُنْتَظَمَةٌ، الْعَالِمِيٌّ» نادرست و صحیح آن «مُنْتَظَمَةٌ، الْعَالَمِيٌّ» است. (به تفاوت «العالم: دانشمند» و «العالم: جهان» دقت نمایید.)

(ضبط حرکات)

۱۲۸- گزینه «۱»

(همیرضا قانرامینی)

واژگان: الفاظی است که مردم آن را هر روز بر زبان می‌آورند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: می‌داند: دانش سودمند را از استاد توانمند می‌گیرد (تعریف کلمه «بِتَعَلَّمَ»: یاد می‌گیرد) است.

گزینه «۳»: چتر: زنی است که به سایر مردم ستم می‌کند و به آن‌ها زبان می‌رساند (تعریف کلمه «الظَّالِمَةُ»: زن ستمگر) است.

گزینه «۴»: عربی‌شده: زبانی از زبان‌های جهانی است که عرب‌ها با آن صحبت می‌کنند (تعریف کلمه «العربیَّة»: زبان عربی) است.

(واژگان)



۱۲۹- گزینه «۲»

(پرویز هیدرکی)

«الدهر» در «للدهر» (ل + الدهر) معرّف بأل است. دقت کنید «ألوان، ألسنة» کلماتی مستقل هستند و «أل» بخشی از خود کلمه است، نه علامت معرفه. «الله» نیز معرّف بالعلمیة (اسم علم) است.

(قواعد اسم)

۱۳۰- گزینه «۱»

(دریوشعلی ابراهیمی)

در گزینه «۱»، «تزرعوا» فعل شرط است، اما جواب شرط به صورت یک جمله اسمیه آمده است. (أولادکم...) در چنین حالتی یک حرف «ف» باید در ابتدای جواب شرط ذکر شود ← ما تزرعوا هنا فأولادکم یحصدون! (انواع یملات)

تاریخ و جغرافیا (۳)

۱۳۱- گزینه «۴»

(ملیبه کرمی)

هزینه‌هایی که انگلستان برای حضور نیروهایش در ایران و نقاط دیگر جهان متحمل می‌شد، بسیار بالا بود و ترجیح می‌داد از نظامیان دست‌نشانده با هزینه کمتر استفاده کند.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۲)

۱۳۲- گزینه «۲»

(میلاد هوشیار)

هم‌زمان با آغاز سلطنت رضاشاه، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند با تقویت کشور آلمان که همچنان گرفتار مصائب جنگ جهانی اول بود، کمی از مشکلات اقتصادی کشور یادشده بکاهند و با این همکاری، مانع از افتادن آلمان‌ها به دام کمونیسم شوند. از نظر آن‌ها، بهترین راه مساعدت به آلمان این بود که سیاستمداران انگلیسی به رؤسای کشورهای تحت سلطه خویش دستور دهند تا امکان فعالیت‌های تجاری و صنعتی آلمان را در این کشورها فراهم سازند، به همین دلیل، رضاشاه درهای کشور ایران را به روی سرمایه‌های آلمانی گشود.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۸)

۱۳۳- گزینه «۴»

(کنکور قارچ از کشور ۱۴۰۱)

اخراج شوروی از جامعه ملل، موجب بی‌اعتباری بیشتر این نهاد بین‌المللی شد.

توجه داشته باشید که کشورهای ژاپن، آلمان و ایتالیا، به اختیار خود از جامعه ملل خارج شدند.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۹۹)

۱۳۴- گزینه «۲»

(علیرضا رضایی)

اساس برنامه صنعتی استالین، بر تولید کالاهای سرمایه‌ای و سلاح‌های جنگی استوار بود.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۱۰۱)

۱۳۵- گزینه «۳»

(میلاد باغ‌شیفی)

پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول و پناهنده شدن امپراتور وقت آلمان به هلند، حکومت جمهوری در این کشور بر سر کار آمد.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۱۰۲)

۱۳۶- گزینه «۳»

(فاطمه سفایی)

شاخص مطلوب یعنی بدون هیچ‌گونه انحراف، ۱۰۰ در نظر گرفته می‌شود.

$$100 \times \frac{\text{طول مسیر قابل احداث بین دو مکان}}{\text{طول مسیر مستقیم بین دو مکان}} = \text{شاخص انحراف } (\%)$$

$$\frac{6}{4} = 1.5 \Rightarrow 1.5 \times \frac{100}{1} = 150$$

(جغرافیا (۳)، یغرافیای عمل و نقل، صفحه ۶۰)

۱۳۷- گزینه «۳»

(فاطمه سفایی)

در حمل و نقل پایدار به مردمی که نیازهای ویژه دارند، مانند افراد دچار معلولیت، توجه می‌شود و خطوط ویژه و رمپ برای ورود افراد با محدودیت تحرک به اتوبوس، از این دسته است.

(جغرافیا (۳)، یغرافیای عمل و نقل، صفحه ۷۰)

۱۳۸- گزینه «۲»

(فاطمه سفایی)

الف) کشور ایران موقعیت جغرافیایی و ترابری بسیار مناسبی در منطقه جنوب غربی آسیا و قفقاز دارد. از این‌رو، سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه حمل و نقل، به‌ویژه حمل و نقل آبی و ریلی، می‌تواند موجب پیشرفت اقتصاد و گسترش تجارت کشور ما با سایر کشورها شود.

ب) مدیریت حمل و نقل شهری در ایران بر عهده شهرداری‌هاست.

(جغرافیا (۳)، یغرافیای عمل و نقل، صفحه ۷۱)

۱۳۹- گزینه «۳»

(فاطمه سفایی)

اختلاف درجه $30^\circ - 8^\circ = 22^\circ$

۵۰°	۱۵°	دقیقه	درجه	$60 \times 5 = 300$
۴۵	۳	ساعت		$300 + 15 = 20'$
درجه	۵	x		$11 + 20' = 14,20'$

در شهر B ساعت ۱۴ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر است.

(جغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های یغرافیایی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۱۴۰- گزینه «۲»

(فاطمه سفایی)

مهم‌ترین کاربرد همه انواع GPS، تعیین موقعیت جغرافیایی و طول و عرض و ارتفاع مکان‌ها و زمان مدنظر است. امروزه مردم جهان برای مسیریابی از این سامانه استفاده می‌کنند.

(جغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های یغرافیایی، صفحه‌های ۷۷ و ۷۸)

تاریخ و جغرافیا (۱)

۱۴۱- گزینه «۳»

(میلاد باغ‌شیفی)

مهم‌ترین دلیل شهرت حمورابی، از جمله مشهورترین پادشاهان قوم آموری، به خاطر قانون‌نامه‌ای است که از او برجای مانده و به عنوان نخستین سند قانون‌گذاری جهان به شمار می‌رود.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۳۷)

۱۴۲- گزینه «۴»

(علی‌محمد کرمی)

مصر اغلب از طریق شبه‌جزیره سینا در شمال شرق این کشور، در معرض هجوم بیرونی قرار داشت و عاقبت هم فاتحان، از همین مسیر به آن سرزمین دست یافتند.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۳۸)



۱۴۳- گزینه «۴»

(علیرضا رضایی)

از تمدن سند لوح‌ها و نوشته‌هایی به دست آمده است که تاکنون رمزگشایی و خوانده نشده‌اند. از این‌رو، دربارهٔ اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تمدن سند چیزی نمی‌دانیم.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۴۳)

۱۴۴- گزینه «۴»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

تمدن میسن به دلیل رقابت شهرها و جنگ‌های داخلی ضعیف شد و از ۱۱۰۰ تا حدود ۸۰۰ ق.م. یونان دچار چنان انحطاطی شد که مورخان آن را «عصر تاریکی» نامیده‌اند.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۵۲)

۱۴۵- گزینه «۱»

(علی‌مفهر کریمی)

جمهوری رم در فاصلهٔ سال‌های ۲۶۴ تا ۱۴۶ ق.م. سیاست توسعه‌طلبانهٔ نظامی را پیش گرفت و سلسله جنگ‌های بزرگی میان آن جمهوری و حکومت کارتاژ و پادشاهان مقدونی رخ داد. سرانجام رومیان رقیبان خود را شکست دادند و بر دریای مدیترانه و سرزمین‌های پیرامون آن مسلط شدند. در نتیجهٔ این فتوحات، جمهوری رم تبدیل به قدرتی بزرگ در مدیترانه شد و به توسعه‌طلبی خود در اروپا، آفریقا و آسیا ادامه داد.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۵۶)

۱۴۶- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

محل قرارگیری هر مکان نسبت به پدیده‌های طبیعی یا انسانی پیرامون خود، موقعیت نسبی آن مکان است. این که یک کشور شامل چه پدیده‌هایی است، میزان برخورداری آن را نشان می‌دهد.

(مغرافیای ایران، مغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۴۷- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

ایران به دلیل قرارگرفتن در مجاورت خلیج فارس، دریای عمان، تنگهٔ هرمز و دریای خزر از موقعیت نسبی ممتازی برخوردار است.

(مغرافیای ایران، مغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۱۷)

۱۴۸- گزینه «۳»

(فاطمه سقایی)

نگاهی به نقشهٔ پراکندگی ناهمواری‌های ایران نشان می‌دهد که دشت‌ها در نواحی داخلی کشور قرار دارند. سرزمین‌های کوهستانی اغلب بیش از هزار متر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارند و منطقهٔ کوهستانی تالش جهت شمالی جنوبی دارد.

(مغرافیای ایران، مغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۱۴۹- گزینه «۲»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

کوه‌های البرز از تنگهٔ منجیل شروع شده و در امتداد غربی - شرقی (طول جغرافیایی) تا کوه‌های شاه‌کوه در نزدیکی شاهرود و گردنهٔ خوش بیلاق ادامه دارند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: امتداد چین‌خوردگی‌های این منطقه تا کوه‌های شاه‌کوه در نزدیکی شاهرود و گردنهٔ خوش بیلاق ادامه دارند.

گزینهٔ «۳»: قلّهٔ دماوند در این منطقه از طریق فعالیت‌های آتشفشانی در دورهٔ کواترنر (از دوران سوم زمین‌شناسی) شکل گرفته است.
گزینهٔ «۴»: کوهستان‌های تالش با جهت شمالی - جنوبی قرار دارد و کوه‌های البرز در امتداد غربی - شرقی.

(مغرافیای ایران، مغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۲۴)

۱۵۰- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

بعضی از دشت‌ها حاصل انحلال مواد آهکی و هموار شدن زمین‌ها هستند؛ مانند ماهی‌دشت کرمانشاه. برخی دشت‌ها بر اثر انباشت مواد حاصل از فرسایش در نواحی پست به‌وجود آمده‌اند؛ مانند دشت نهاوند همدان. بعضی از دشت‌ها در هنگام چین‌خوردگی‌ها و درحد فاصل تاقدیس‌ها یا در میان ناودیس‌ها ایجاد شده‌اند؛ مثل دشت کاکان در فارس.

(مغرافیای ایران، مغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۳۰)

تاریخ و جغرافیا (۲)

۱۵۱- گزینه «۴»

(کنکور قاجار از کشور ۱۴۰۱)

عبدالله بن اُبی، پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر که ضربهٔ سنگین و جبران‌ناپذیری بر قریش وارد آورده بود و قدرت و موقعیت آنان را در منطقهٔ حجاز تضعیف کرده بود، اظهار مسلمانی کرد. او حتی در غزوه‌های اُحد و تبوک، به همراه یارانش از سپاه اسلام جدا شد و در جنگ شرکت نکرد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های «۱» و «۳»: عبدالله بن اُبی می‌کوشید که انصار را علیه مهاجران تحریک نماید.

گزینهٔ «۲»: عبدالله بن اُبی هنگامی که رسول خدا (ص) تصمیم به محاصرهٔ یهودیان بنی‌نضیر گرفت، یهودیان را تشویق به مقاومت کرد.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

۱۵۲- گزینه «۲»

(میلاد هوشیار)

استقبال گستردهٔ قبیله‌های مهم شبه‌جزیرهٔ عربستان از حکومت اسلامی، پیامبر (ص) و مسلمانان را در موقعیتی قرار داد که برای ریشه‌کن کردن شرک و بت‌پرستی اقدام کنند. بنابراین، با نزول سورهٔ برانت (توبه) در آخرین ماه‌های سال نهم هجری، مکه و خانهٔ خدا به عنوان حرم اسلامی اعلام شد و مشرکان حق نداشتند وارد آنجا شوند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۳۹)

۱۵۳- گزینه «۳»

(میلاد هوشیار)

نصیحت‌ها و کوشش‌های مسالمت‌آمیز امام علی (ع) برای بازداشتن مخالفان از سرکشی و جلوگیری از جنگ داخلی میان مسلمانان، به نتیجه نرسید و آن حضرت ناگزیر به دفع سرکشی‌ها و آشوبگری‌هایی شد که اشراف بنی‌امیه نقش مهمی در ایجاد آن داشتند، بدین‌منظور امام مرکز خلافت را از مدینه به کوفه منتقل و در سه جنگ جمل، صفین و نهروان با دشمنان مقابله کرد.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام، حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۴۵)



فلسفه دوازدهم

(حسن صدری)

۱۶۱- گزینه «۳»

انسان با عقل خود می‌تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است. یعنی به عبارت دیگر، صرفاً شناخت افعال پسندیده و ناپسند اخلاقی به عهده عقل است، نه انجام دادن آن. انجام دادن کارهای خوب و شایسته و دوری از افعال ناپسند اخلاقی، نیازمند عوامل دیگری به خصوص اراده است. همچنین دستیابی به علوم مختلف از جمله علوم تجربی و عقلانی نیز از جمله کارکردهای مهم عقل است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۳)

(حسن صدری)

۱۶۲- گزینه «۲»

روح هر انسانی استعداد رسیدن به چنین مرتبه‌ای از وجود (عالم عقل) را دارد و روح او می‌تواند در مرتبه عالم عقل قرار بگیرد و حقایق را از طریق شهود به دست آورد. او می‌تواند با تهذیب نفس به مرتبه‌ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد شود و در عین استفاده از قوه استدلال، همچون فرشتگان، بسیاری از حقایق را نیز شهود نماید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هر انسانی چنین استعدادی را دارد و چنین استعدادی به خودی خود و فی نفسه عامل رسیدن انسان به مرتبه عالم عقول نیست، بلکه تنها هنگامی کارساز می‌شود که با تهذیب نفس همراه شود. عامل اصلی رسیدن به چنین مرتبه‌ای تهذیب نفس است. استعداد رسیدن به این مرتبه صرفاً حیثیت بالقوه نفس را نشان می‌دهد، نه عامل بالفعل شدن آن را.

گزینه «۳»: از نتایج رسیدن انسان به مرتبه عالم عقول است، نه از عوامل رسیدن به آن.

گزینه «۴»: همچون گزینه سه، از نتایج رسیدن انسان به مرتبه عالم عقول است، نه از عوامل رسیدن به آن.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۴)

(نیمه بواهری)

۱۶۳- گزینه «۳»

از نظر ارسطو عقل، از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آن‌ها بحث می‌کند، مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت آب، عقل نظری نامیده می‌شود. اما عقل، از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، باید قانون را رعایت کند و نباید دروغ بگوید و نباید ظالم باشد، بحث می‌کند، عقل عملی نامیده می‌شود. بنابراین ارسطو عقل را براساس کارکرد یا موضوع آن دسته‌بندی می‌کند.

در واقع در تقسیم‌بندی ارسطو، انسان همان فاعل شناسا محور قرار می‌گیرد. آنچه مقدر انسان نیست «حکمت نظری» می‌باشد و آنچه مقدر انسان است «حکمت عملی» می‌باشد. بدین ترتیب بر محور موضوع شناخت‌های انسان این تقسیم‌بندی صورت می‌گیرد: چیزهایی که او در آفرینش آن‌ها نقشی ندارد و چیزهایی که در آفرینش آن‌ها مؤثر است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۵۵ و ۵۶)

(سبا معفر زاره صابری)

۱۶۴- گزینه «۳»

عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تاکنون، تحولات و تطوراتی را از سرگذرانده که به طور عمده مربوط به حدود توانایی‌های آن (قلمرو شناخت عقل) است.

(میلاد هوشیار)

۱۵۴- گزینه «۳»

غمروعاص که آبادانی و ثروت فراوان سرزمین مصر را از نزدیک مشاهده نموده و تا اندازه‌ای با وضعیت سیاسی و اجتماعی آنجا آشنا بود، فرماندهی سپاه اعراب مسلمان را در حمله به مصر به عهده گرفت.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۵۱)

(میلاد باغ شیخی)

۱۵۵- گزینه «۴»

مهم‌ترین تحولی که با خلافت خاندان اموی پدید آمد، فاصله گرفتن حکومت از اصول و ارزش‌های انسانی و اخلاقی مورد تأکید قرآن و پیامبر اسلام و تبدیل خلافت دینی به سلطنت بود.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام، حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۵۶)

(فاطمه سقایی)

۱۵۶- گزینه «۳»

برخورد توده‌های هوا با یکدیگر، موجب ناپایداری هوا و در صورت داربودن رطوبت، موجب بارندگی می‌شود.

(یغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه ۲۵)

(کنکور، فارغ از کشور، ۱۴۰۱)

۱۵۷- گزینه «۴»

در اطراف مدار رأس‌السرطان و رأس‌الجدی، به دلیل سنگینی و فرونشینی هوا، کمربند پرفشار جنب‌حاره‌ای تشکیل می‌شود و دارای آب‌وهوای گرم و خشک است که مانع صعود هوا و تشکیل ابر و بارندگی می‌شود.

مناطق خشک مناطقی هستند که کمبود بارش دارند. به علاوه بارندگی در این مناطق نامنظم است. در این نواحی در اثر هوازگی فیزیکی، سنگ‌ها در نتیجه اختلاف دما، گرم و سرد شدن و یا انبساط و انقباض و مواردی از این قبیل به قطعات کوچک‌تر خرد می‌شوند.

(یغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه‌های ۳۲ و ۳۱)

(علیرضا رضایی)

۱۵۸- گزینه «۲»

آتاکاما: استقرار مرکز پرفشار
تکله‌ماکان: دوری از منابع رطوبت
نامیب: استقرار مرکز پرفشار

(یغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه ۳۴)

(فاطمه سقایی)

۱۵۹- گزینه «۴»

ستون‌های سنگی دریایی، غارها و طاق‌های دریایی از اشکال کاوشی ناشی از حفر مواد در سواحل صخره‌ای دریاها هستند. گرزدیو و ستون‌های سنگی نیز از اشکال کاوشی موجود در بیابان‌هاست.

(یغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه‌های ۴۷، ۴۸ و ۵۰)

(علیرضا رضایی)

۱۶۰- گزینه «۱»

الف) دره‌های U شکل معمولاً بر اثر فرسایش یخچالی طی هزاران سال پدید آمده‌اند.

ب) به سنگ‌ها و رسوباتی که یخچال‌ها با خود حمل می‌کنند، مورن یا یخ‌رفت می‌گویند.

(یغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه ۳۵)

**توضیح نکات درسی:**

دقت کنید که در دوره جدید اروپا آنچه که به طور عمده مطرح بود میزان توانایی عقل و نقش آن در شناخت می‌باشد. به عبارتی خود عقل به‌عنوان ابزاری معتبر پذیرفته شده بود؛ اما حیطة و قلمرو شناخت آن مورد بحث بود که آیا این عقل خود می‌تواند به تنهایی به شناخت و معرفت دست یابد یا در صورت همراهی با تجربه و حس است که می‌تواند در شناخت نقش داشته باشد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۶)

۱۶۵- گزینه «۳»

(سبا معجززاده صابری)

اشتراک نظر بین ارسطو و دکارت در پذیرش معنای اول عقل و توجه به عقل به‌عنوان قوه استدلال در انسان است. هر دو فیلسوف باور به این دارند که عقل خود ابزاری معتبر برای شناخت بوده و می‌تواند استدلال عقلانی محض مستقل از تجربه داشته باشد.

تفاوت نظر دکارت و ارسطو در باب عقل مربوط به معنای دوم عقل می‌باشد دکارت به عقل به‌عنوان یک موجود برتر و متعالی قائلیتی نداشت درحالی که ارسطو با اینکه به عقل به‌عنوان قوه استدلال توجه ویژه‌ای کرد ولی عقل در معنای دوم و به‌عنوان موجودی برتر را رد نمی‌کند. نظریه عقل فعال ارسطو خود تأییدی بر این مورد می‌باشد.

علت رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هر دو مورد تشابه نظر ارسطو و دکارت می‌باشد.

گزینه‌های «۲» و «۴»: هیچ‌کدام از این دو عقل در معنای اول را رد و انکار نکرد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۵۴ تا ۵۷)

۱۶۶- گزینه «۳»

(سبا معجززاده صابری)

عقل‌گرایی در ایران قدیم به تدریج قدرتش را از دست داد و در اواخر دوره ساسانیان به ضعف گرایید به طوری که مواردی از عقاید غیرمنطقی در فرهنگ و نظام اجتماعی آنان پدیدار شد.

علت رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ایران باستان یکی از کانون‌های اولیه عقل‌گرایی بوده است نه تنها کانون آن.

گزینه «۲»: مزدا نام دیگر خدا است نه اولین مخلوق خدا.

گزینه «۴»: ایرانیان باستان به هر دو معنای عقل توجه داشته‌اند و معنای دوم آن را نیز پذیرفتند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۵۹)

۱۶۷- گزینه «۳»

(نیمای پواهری)

عقل فعال، عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌هاست؛ یعنی تمام ادراک‌ها و دانش‌های انسان به مدد این عقل صورت می‌گیرد. به واسطه این عقل است که انسان مفاهیم کلی را می‌فهمد و درک می‌کند. پس منظور دقیق از فیض‌رسانی عقل فعال عبارت است از مدرسانی او در شناخت مفاهیم کلی و صورت‌های اشیاء.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: تدبیر افلاک و آسمان‌ها ویژگی کلی عقول می‌باشد نه صرفاً عقل فعال.

گزینه «۲»: در مقام تشبیه، عقل فعال مانند نور است نه اینکه همان نور باشد.

گزینه «۴»: این جمله توضیح خود عقل فعال است. صورت سؤال توصیف دقیق فیض‌رسانی عقل فعال را پرسیده است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۳)

۱۶۸- گزینه «۲»

(نیمای پواهری)

در مرحله عقل بالملکه، عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می‌کند، مثلاً می‌داند که یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله است که انسان آمادگی دریافت علم را پیدا می‌کند و می‌تواند دانش‌ها را کسب نماید. در مرحله عقل بالفعل، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، دانش‌هایی را کسب کرده است (منظور از دانش‌ها، معرفت‌های بدیهی نیست، آن‌ها در مرحله عقل بالملکه کسب شده‌اند، در این مرحله عقل به معارف نظری، یا همان شناخت‌های اکتسابی و غیربدیهی دست می‌یابد).

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۱۶۹- گزینه «۱»

(حسن صدری)

عقل و وحی مؤید یکدیگر هستند و هر دو ما را به حقیقت می‌رسانند و تضاد واقعی میان آنان به هیچ وجه وجود ندارد (رد گزینه ۴). لذا در صورت مشاهده تعارض میان آن‌ها، باید بدانیم که این تعارض صرفاً ظاهری است و یک تعارض واقعی و ذاتی نیست. بنابراین نباید بپنداریم که عقل به طور کلی ناتوان از رسیدن به حقیقت است و باید آن را کنار گذاشت (رد گزینه ۲) و از سوی دیگر نباید بپنداریم که عقل در هر صورتی حقیقت را به درستی کشف می‌کند و باید متن وحی براساس آن تفسیر شود (رد گزینه ۳)، بلکه از آنجایی که ممکن است در استدلال‌های عقلی خود دچار اشتباه شویم، باید داده‌های عقلانی خود را بازبینی و بررسی کنیم تا بتوانیم خطا را بیابیم و آن را اصلاح نماییم و از گمان تعارض میان عقل و وحی رهایی بیابیم.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۶)

۱۷۰- گزینه «۳»

(سبا معجززاده صابری)

فیض خداوند از طریق عقول به سایر موجودات می‌رسد برای مثال این فیض به عقل اول داده می‌شود بعد از او به عقل دوم و سوم و ... می‌رسد تا اینکه نهایتاً به انسان برسد. پس سایر عقول صرفاً نقش دریافت‌کننده را ندارند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: عقول موجوداتی مجرد از ماده و کاملاً روحانی و غیرمادی هستند که واسطه فیض الهی می‌باشند. عبارت گزینه «۱» کاملاً صحیح است.

گزینه «۲»: بخشی از عالم ماوراءالطبیعه و مجردات را عالم عقول تشکیل می‌دهند نه تمامی آن.

گزینه «۴»: رابطه طولی و سلسله‌مراتبی بین عقول موجود است و بنابر نظر فلاسفه مسلمان عقل اول نخستین مخلوق خداوند است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)



فلسفه یازدهم

۱۷۱- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

طبق متن کتاب درسی: «اگر ما اطرافیان خود را زیر نظر بگیریم، می‌توانیم از لابه‌لای حرف‌هایی که می‌زنند یا رفتارهایی که دارند، برخی از ریشه‌های فکری آنان را کشف کنیم و بدانیم که آن‌ها چه عقیده و طرز فکری دارند...» بنابراین کشف ریشه فکری افراد در بستر گفت‌وگو (لابه‌لای سخنان آنان) و زندگی روزمره (رفتارهایشان) ممکن و میسر می‌شود. همین گزینه جواب تست خواهد بود.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: همه باورهای ما از استدلال پدید نیامده‌اند و بعضاً ناشی از یک عادت اجتماعی هستند. از طرفی باورهای ما در اکثر اوقات منحصر به فرد نیستند و کسانی وجود دارند که با ما هم عقیده باشند.

گزینه «۲»: به گفته کتاب درسی: «هر یک از ما باورهایی درباره انسان، مرگ، عدالت، زیبایی، و نظایر آن داریم که گاه با نظرات دیگران یکسان است و گاهی هم متفاوت و مختلف.» بنابراین باورمندی در امور بنیادین مانند مرگ و زندگی و عدالت و ... مختص فیلسوفان نیست و همه انسان‌ها باورهایی در این مورد دارند.

گزینه «۳»: ما لزوماً دلیل همه باورهایمان را نمی‌دانیم در نتیجه باور داشتن به امور مختلف ملازمه‌ای با دانستن دلیل آن‌ها ندارد.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۱۷۲- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

استقلال اندیشه به این معناست که هیچ سخنی را بدون دلیل و برهان نپذیریم. فیلسوف واقعی که از استقلال در اندیشه برخوردار است عقاید خود را براساس تبلیغات، تعصبات یا رسم و رسوم جامعه بنا نمی‌کند بلکه در استدلال‌ها می‌اندیشد و هر کدام را صحیح یافت، همان را می‌پذیرد. اگر عقاید رایج در جامعه پشتوانه عقلی و استدلالی داشت، می‌پذیرد و اگر نداشت آن را رد می‌کند (رد گزینه ۲). تفاوت فیلسوف با بقیه در مواجهه جدی است؛ یعنی زمانی می‌توان گفت فردی به استقلال در اندیشه رسیده که نه صرفاً گاهی به‌طور مقطعی منطقی فکر کند. بنابراین اگر کسی براساس دلیل و استدلال به نتیجه غلطی هم برسد همچنان استقلال در اندیشه را حفظ کرده است (تأیید گزینه ۳) اما برخلاف آن اگر تمام عقاید کسی بر فرض صحیح باشد اما آن‌ها را به تقلید از دیگران پذیرفته باشد در اندیشه‌اش مستقل نیست (رد گزینه ۱).

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه ۲۳)

۱۷۳- گزینه «۴»

(سبا معفرزاده صابری)

در پاسخ‌گویی به این نوع سؤالات به دنبال کلیدواژه‌های مهم باشید. نقد و ارزیابی اندیشه‌هایی که بر مبنای عادات غیرمنطقی و مغالطه هستند مربوط به رهایی از عادات غیرمنطقی می‌باشد. ارائه دادن فهم درستی از حقایق با بیانی استدلالی و خالی از مغالطه نیز نشانگر دوری از مغالطه‌ها از آثار تفکر فلسفی می‌باشد.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۷۴- گزینه «۴»

(نیم پواهری)

عبارت ذکرشده در گزینه چهارم درباره «دوری از مغالطه‌ها» از آثار زندگی بر پایه فهم فلسفی است، نه استقلال در اندیشه. سایر گزینه‌ها از جملاتی است که در توضیح و تبیین «استقلال در اندیشه» در کتاب درسی بیان شده‌اند.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۱۷۵- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

این که افراد نظری را که در جامعه رواج یافته است بدون اعتنا به پشتوانه عقلی و استدلالی آن بپذیرند، مربوط به دچار شدن به «عادت‌های غیرمنطقی» است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

این که افرادی که به تفکر فلسفی می‌پردازند، هر باور و عقیده‌ای را براساس استدلال و ریشه عقلی آن می‌سنجند و قبول یا رد می‌کنند، نشانگر «استقلال در اندیشه» می‌باشد. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

تکلیف: مغالطه مربوط به ساحت تفکر است؛ فردی که اندیشه‌ای را بدون استدلال و تفکر بپذیرد، اساساً امکان مغالطه را ندارد!

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۷۶- گزینه «۱»

(نیم پواهری)

از نظر افلاطون اگر برحسب اتفاق، زنجیر یکی از این مردمان پاره شود و مجبورش کنند که یک باره برخیزد و روی خود را برگرداند و آتش را ببیند یا به سوی مدخل غار برود و به بیرون بنگرد، روشنایی چشم‌هایش را خیره خواهد ساخت و نخواهد توانست عین اشیایی را که تا آن هنگام تنها سایه‌های آن‌ها را می‌دید، درست ببیند و اگر بخواهد در خود روشنائی بنگرد، طبیعی است که چشم‌هایش به دردی طاقت‌فرسا مبتلا خواهد شد؛ بنابراین این فرد از روشنائی خواهد گریخت و باز به سایه‌ها پناه خواهد برد زیرا آن‌ها را بهتر می‌تواند ببیند. عقیده‌اش هم نسبت به سایه‌ها استوارتر خواهد شد. بنابراین به محض مشاهده واقعیت نادرستی توهمات و دروغ‌ها آشکار نمی‌شود. بلکه فرد، چون توان مواجهه با حقیقت را ندارد، از آن گریزان خواهد شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در تمثیل غار می‌بینیم که هنگامی فرد دوباره به جست‌وجوی حقیقت می‌رود، که شخص توانمندی او را از دهانه غار بالا بکشد. این مورد نشان‌دهنده نقش آموزگار و راهنما در جست‌وجوی معرفت حقیقی است.

گزینه «۳»: در تمثیل غار می‌خوانیم که اگر به تدریج چشمان فرد با روشنائی خو بگیرد، یکی پس از دیگری آن انسان‌ها و حیوانات و اشیای واقعی را خواهد شناخت و به سایه‌بودن آن تصاویر که تا چندی قبل آن‌ها را حقیقت می‌پنداشت، پی خواهد برد. این شخص پس از مدتی خواهد توانست آن نوری را که عامل شناخت اشیای است ببیند و بداند که تا اندازه‌ای خورشید عامل هر چیزی است. بنابراین کسب شناخت و معرفت یک امر تدریجی است و به صورت دفعی حاصل نمی‌شود.

گزینه «۴»: در تمثیل غار خواندیم که اگر زندانی آزادشده را از نور برگیرند و به داخل غار ببرند و در جایگاه قبلی‌اش قرار دهند، او به اطرافیان می‌گوید این سایه‌ها حقیقی نیستند. اما همه حرف او را خنده‌دار خواهند یافت. آنان به یکدیگر می‌گویند او از غار بیرون رفت و با خراب‌شدن و از دست دادن بینایی‌اش برگشت. این عبارت بدین معناست که حقیقت غایی با سخن به دیگران منتقل نمی‌شود و آن‌ها خود باید کشف آن را تجربه کنند.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)



۱۷۷- گزینه ۲»

(سبا پعفرزاده صابری)

از طریق شناخت آغاز اندیشه‌های فیلسوفانه و تفکرات فلسفی، می‌توانیم ریشه بسیاری از اندیشه‌هایی را که اکنون در میان ما رایج است، بشناسیم و به سابقه تاریخی آن‌ها پی ببریم.

علت رد سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: اطلاعات امروزی ما قادر به بیان دقیقی از آغاز فلسفه نیست پس می‌توان یک گزارش اجمالی از آن ارائه داد.

گزینه ۲: بی‌شک هر جا تمدنی وجود داشته اندیشه درباره مسائل هستی نیز وجود داشته اما این اندیشه علت به وجود آمدن تمدن‌ها نیست.

گزینه ۴: بنابر گزارش‌ها شش قرن پیش از میلاد چنین آغازی در یونان رخ داده است نه شش قرن پس از میلاد.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۲۹ و ۳۰)

۱۷۸- گزینه ۴»

(نیما پواهری)

تالس که مانند دیگر اندیشمندان آن دوره به دنبال یافتن مبدأ تغییرات و دگرگونی‌ها بود، عقیده داشت که آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست و همه چیز، در نهایت، از آب ساخته شده است؛ زیرا او می‌دید که آب در درجات بالا بخار می‌شود و در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می‌گردد و وقتی به صورت باران می‌آید، گیاهان از زمین می‌رویند. پس این‌ها هم حتماً شکل دیگری از آب‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: هرچند اثری از تالس باقی نمانده است، اما به واسطه نظرات متفکران بعد از او می‌توان تا حدودی از افکار و اندیشه‌هایش آگاه شد.

گزینه ۲: فیثاغورس بنیان‌گذار ریاضی و هندسه به شمار می‌رود. برای مثال نجوم از مدت‌ها قبل از فیثاغورس در یونان رایج بود و همین تالس که با او آشنا شدیم منجم توانایی بود که گفته شده توانست یک خورشیدگرفتگی را پیش‌بینی کند.

گزینه ۳: فیثاغورس نخستین اندیشمندی بود که واژه فلسفه را به کار برد ولی این سقراط بود که این واژه را عمومی کرد و بر سر زبان‌ها انداخت.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۱)

۱۷۹- گزینه ۳»

(سبا پعفرزاده صابری)

هراکلیتوس معتقد بود اموری که با هم ضد هستند، می‌توانند با یکدیگر جمع شوند؛ پس وجود این اضداد است که جهان را می‌سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: وحدت اضداد به معنای اجتماع دو قضیه‌ای که رابطه تضاد دارند نیست.

گزینه ۲: حرکت و تغییر اشاره به اصل دوم نظر هراکلیتوس یعنی تغییر و تحول دائمی دارد.

گزینه ۴: جهان از اضداد ساخته شده و وحدت اضداد به این معنا نیست که هر چیزی ضد خود را نیز به وجود می‌آورد.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۲)

۱۸۰- گزینه ۱»

(علیرضا تمیری)

آنچه باعث ایجاد تشویش و آشفتگی فکری میان اذهان آنتیان باستان شد، نظرات گوناگون و بعضاً ضد و نقیضی بود که از طرف جهان‌شناسان ارائه می‌شد. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

پیدایش سوفیسم، رواج آموزش سخنوری و خطابه به جای علوم مختلف، کم‌رنگ شدن ارزش حقیقت توسط سوفسطائیان همگی از آثار و معلول‌های آشفتگی ذهنی مردم آتن باستان است.

نکته: سوفیست‌ها در اثر این که پیروزی بر رقیب را هدف اصلی خویش قرار دادند، به جایی رسیدند که اساساً اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند. هرچند این اندیشه بر روی مردم نیز تأثیرگذار بود اما باعث نشد که مردم و کل جامعه حقیقت و رسیدن به آن را انکار کنند. (رد گزینه ۳)

به عبارتی این سوفیست‌ها بودند که اصل حقیقت و امکان رسیدن به آن را انکار کردند نه عامه مردم.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۴)

منطق

۱۸۱- گزینه ۴»

(فرهار قاسمی نژاد)

گزینه ۴: یک مفهوم کلی است؛ بقیه گزینه‌ها جزئی هستند.

می‌دانیم مفهوم کلی قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را دارد.

سایر گزینه‌ها جزئی بوده و قابلیت انطباق بر مصادیق دیگر را ندارند.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۱۸۲- گزینه ۳»

(مسین آفونری راهنمایی)

مفهوم کلی لزوماً چنین ویژگی‌ای ندارد؛ بلکه اتفاقاً در اغلب موارد مصادیق ذهنی آن از مصادیق خارجی‌اش بیشتر است؛ مانند مولود کعبه.

سایر گزینه‌ها با توجه به تعریف مفهوم کلی و جزئی صحیح هستند.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۱۸۳- گزینه ۲»

(فرهار قاسمی نژاد)

تنها در نسبت تباین است که نمی‌توان هیچ قضیه موجه‌ای را با قراردادن دو مفهوم در موضوع و محمول بیان کرد؛ زیرا مصادیق دو مفهوم کاملاً از هم جداست و «هیچ الف غیر ب نیست» و «هیچ غیر ب الف نیست».

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۱۸۴- گزینه ۴»

(مسین آفونری راهنمایی)

نسبت لوزی و مربع طبق باور عموم تباین است؛ اما طبق اصول ریاضی و هندسه عموم و خصوص مطلق هست.

چرا که هر مربع نوعی لوزی است که زوایای داخلی ۹۰ درجه دارد.

نسبت نور و لامپ تباین است (چرا که هیچ لامپی نور نیست و هیچ نوری هم لامپ نیست).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: غیرمسلمان و زردشتی = عموم و خصوص مطلق / ماده و هوا = عموم و خصوص مطلق

گزینه ۲: مشهد جزئی است و نمی‌تواند نسبت چهارگانه داشته باشد.

گزینه ۳: جماد (جسم بدون رشد مانند میز و سنگ و ...) و رشدکننده = تباین / ماشین و چرخ = تباین

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)



۱۸۵- گزینه «۳»

(فرهاد قاسمی نژاد)

آسیا یک مفهوم جزئی است. نسبت‌های چهارگانه صرفاً میان دو مفهوم کلی است. میان یک مفهوم کلی و یک مفهوم جزئی هیچ نسبتی از نسبت‌های چهارگانه برقرار نیست.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه ۲۲)

۱۸۶- گزینه «۱»

(فرهاد قاسمی نژاد)

خلیج فارس یک مفهوم جزئی است. تعریف مناسب برای مفاهیم جزئی، تعریف لغوی است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

۱۸۷- گزینه «۲»

(مسین آفونری راهنمایی)

همه تعاریف مفهومی هستند به جز گزینه «۲» که ترکیبی از تعریف مفهومی و مصداقی است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

۱۸۸- گزینه «۲»

(فرهاد قاسمی نژاد)

اگر تعریف ارائه شده نه جامع باشد نه مانع، دو حالت ممکن است: عموم و خصوص من وجه و تباین. اگر هم جامع و هم مانع باشد تساوی. اگر یا جامع باشد یا مانع عموم و خصوص مطلق خواهد بود.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۲۲، ۲۳ و ۳۴ تا ۳۶)

۱۸۹- گزینه «۴»

(مسین آفونری راهنمایی)

تعریف همه مفاهیم نه لازم است و نه ممکن. زیرا برخی مفاهیم از تصورات بدیهی هستند و مفهومی ساده‌تر و عام‌تر از آن‌ها یافت نمی‌شود (مانند وجود) همچنین منطق صرفاً قواعد و اصول تعریف را بیان می‌کند و وظیفه آن ارائه تعریف برای مفاهیم مختلف نیست.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۳)

۱۹۰- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

اگر یک مفهوم به قدری بدیهی باشد که نتوان آن را به مفاهیم ساده‌تر تقسیم کرد، نمی‌توان از آن تعریف مفهومی صحیح ارائه کرد. به عنوان مثال مفهوم «وجود»، مفهومی بدیهی است و بنابراین نمی‌توان آن را به صورت مفهومی تعریف کرد. هر تعریفی از مفهوم وجود ارائه شود یا تعریف لفظی یا دوری خواهد بود.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: جامع و مانع بودن فقط دو تا از شروط تعریف صحیح هستند؛ دوری نبودن و واضح بودن تعریف نیز از شرایط تعریف است.

گزینه «۲»: تعریف «هوا» به «اسطقس شفاف» تعریف ناواضح است. زیرا این مفهوم نسبت به خود «هوا» که درصدد تعریف آن هستیم، پیچیده‌تر و از نظر لفظی نامأنوس است.

گزینه «۴»: اگر در یک تعریف مفهومی، مفهوم عام نسبت به مُعَرَّف (مفهوم تعریف شده) عمومیت بیشتری داشته باشد و نسبتش با معرف عموم و خصوص مطلق باشد، اما مفهوم خاص از مُعَرَّف عمومیت کمتری داشته باشد (مصداق آن را شامل نشود) این تعریف همچنان جامع نخواهد بود.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۶)

فلسفه یازدهم

۱۹۱- گزینه «۲»

(علیرضا تقی‌پور)

اندیشیدن درباره باور به زندگی لزوماً مشروط به این نیست که فهم تخصصی از دانش فلسفه داشته باشیم بلکه هر انسانی می‌تواند به این امور بیاندیشد.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه ۲۱)

۱۹۲- گزینه «۴»

(مسین آفونری راهنمایی)

فیلسوف باورها را با استدلال و ارزیابی منطقی می‌پذیرد. اما این بدین معنا نیست که فیلسوف سخنان دیگران را گوش نمی‌دهد و همواره با آن‌ها مخالفت می‌کند، بلکه اگر به درستی سخنشان بی‌برد آن را می‌پذیرد.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۹۳- گزینه «۳»

(علیرضا تقی‌پور)

مورد اول مربوط به رهایی از عادات غیرمنطقی و مورد دوم مربوط به دوری از مغالطه می‌باشد؛ بنابراین گزینه «۳» صحیح است.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۹۴- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

رهایی از عادات غیرمنطقی: اگر ما افکار، عقاید و عادت‌های خود و اطرافیان را با نگاه نقادانه بازبینی کنیم، درمی‌یابیم که برخی از این افکار و عقاید پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند. استقلال در اندیشه: فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه توهّم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۱۹۵- گزینه «۱»

(نیما پوهاری)

در «دوری از مغالطه‌ها» می‌خوانیم: فیلسوفان می‌کوشند با کاستن از مغالطه‌ها، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، بیان کنند.

در «استقلال در اندیشه» می‌خوانیم: اولاً فیلسوف درباره مسائل بنیادین به نحو جدّی فکر می‌کند؛ ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد. او تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

در «رهایی از عادات غیرمنطقی» می‌خوانیم: افراد متفکر و اندیشمند این جوامع، این قبیل افکار را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبود، آن‌ها را نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کنند.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)



روان‌شناسی

۱۹۶- گزینه ۱

(علیرضا نمیری)

بنابر تمثیل غار افلاطون اگر فردی به صورت اتفاقی از بند رها شود و به دهانه غار برود، و اگر سعی کند که به منبع نور به صورت مستقیم نگاه کند، چشمانش خیره می‌شوند و نمی‌تواند که عین اشیائی را که تاکنون سایه آن‌ها را مشاهده می‌کرده ببیند و اگر دوباره به درون غار برگردد، ایمانش به سایه‌ها بیشتر خواهد شد.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶)

۱۹۷- گزینه ۲

(علیرضا تقی‌پور)

درست این است که بگوییم زمان شروع فلسفه و همچنین مکانش مشخص نیست؛ نه این که بگوییم نه زمان دارد نه مکان.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۲۹ و ۳۰)

۱۹۸- گزینه ۳

(علیرضا تقی‌پور)

فیثاغورس بود که ریاضیات را به گونه‌ای خاص با فلسفه و عرفان آمیخت و اعداد و اصول اعداد را همان عنصر اصلی جهان می‌دانست.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۱)

۱۹۹- گزینه ۳

(علیرضا نمیری)

یکی از آموزه‌های هراکلیتوس، وحدت اضداد است. او در یکی از پاره‌نوشته‌های خود وحدت اضداد را در قالب متن صورت سؤال تبیین می‌کند. از نظر هراکلیتوس این واقعیت که آب دریا برای ماهیان سلامت‌بخش و در عین حال برای انسان زیان‌بار باشد، نشانگر وحدت اضداد دانست. بنابراین باید در گزینه‌ها به دنبال جمله‌ای باشیم که بتوان آن را به این نظریه هراکلیتوس نسبت داد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این جمله که در واقع بیانگر شخصی و نسبی بودن معرفت و شناخت است، از پروتاگوراس به یادگار مانده است.

گزینه «۲»: این جمله که در رد پدید آمدن اشیاء از عدم می‌باشد، از اشعار پارمنیدس می‌باشد. پارمنیدس با هر گونه حرکت و تکثر در وجود مخالف بوده است و بنابراین این که چیزی از عدم به وجود بیاید از نظر او پارادوکسیکال و متناقض خواهد بود.

گزینه «۳»: این گزینه اشاره به اصل وحدت اضداد از منظر هراکلیتوس دارد. عبارت صورت سؤال نیز مربوط به اصل وحدت اضداد است.

گزینه «۴»: این جمله که یکی از معروف‌ترین سخنان تاریخ فلسفه است، به هراکلیتوس منسوب است. او در این جمله قصد بیان کردن یکی دیگر از آموزه‌های مهم خویش یعنی حرکت و سیلان دائمی جهان را دارد. اما صورت سؤال در باب اصل وحدت اضداد است.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۳)

۲۰۰- گزینه ۱

(علیرضا تقی‌پور)

آراء و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که این اندیشمندان عرضه داشتند سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و این مطلب باعث ظهور سوفیست‌ها شد.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۴)

۲۰۱- گزینه ۲

(موسا عفتی)

سارا که به تازگی وارد دوره نوپایی شده تقریباً ۱۲ ماهه است و احتمالاً هیجان‌ناک مرکب در او هنوز بروز نیافته باشد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۴، ۴۹ و ۵۰)

۲۰۲- گزینه ۳

(مهری باهاری)

ابیات به ترتیب به عوامل محیطی (فرشته از دیو می‌آموزد)، وراثتی (خبیث با رفتار نیکو تغییر نمی‌کند)، وراثتی (مار با تربیت تغییر نمی‌کند)، وراثتی (سگ با شستن ناپلید نمی‌شود) و محیطی (در اثر همنشین گرامی شدن) اشاره دارند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

۲۰۳- گزینه ۳

(فرهاد علی‌نژاد)

تشریح موارد نادرست:

تغییرات مغز، از هر نوع که باشند، ذیل رشد جسمانی قرار می‌گیرند. رعایت حقوق دیگران امری اخلاقی است و ذیل رشد اخلاقی در مورد آن بحث می‌شود.

شکل‌گیری هویت (پرسش «من کیستم؟») ذیل رشد اجتماعی طبقه‌بندی می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، ترکیبی)

۲۰۴- گزینه ۲

(همیرضا تولکی)

در موارد «ورود پدر به زندگی»، «تأثیر لذت بر کودک» و «اثر تقویت ساختارهای زبان» عامل محیطی و تجربه بیرونی مقدم بر عوامل وراثتی هستند اما در گزینه «۲»، رسیدن به یک بازه سنی خاص مقدم بر تجربه است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

۲۰۵- گزینه ۲

(همیرضا تولکی)

این جمله در حال بیان کردن یک مسئله هویتی است و هویت هم یک مقوله کاملاً ارتباطی است. و در حیطه رشد اجتماعی قرار می‌گیرد و البته باعث رشد درک اخلاقی هم می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۹ تا ۶۲)

۲۰۶- گزینه ۲

(مهری باهاری)

رشد آدمی از جنینی تا کهنسالی، به مراحل مشخصی تقسیم می‌شود تا با کمک آن، تغییرات کیفی (اساسی) و کمی آدمی موضوع بررسی قرار بگیرد. این تفکیک با نشانه‌های زیستی و روان‌شناختی مشخص می‌شود؛ اما نباید فراموش کرد که فرآیند رشد مداوم و پیوسته است؛ یعنی ویژگی‌های مربوط به انسان را نمی‌توان به دلیل پیوستگی رشد به مراحل مشخص تقسیم کرد. نگاه پیوسته به فرآیند تغییرات رشدی مؤید آن است که نحوه زیست فرد در هر مرحله رشدی مؤثر در زیست او در مراحل بعدی خواهد بود. برای مثال نحوه تعامل مادر با کودک در خردسالی مؤثر در نحوه تعامل او با دیگران در بزرگسالی است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۲)



۲۰۷- گزینه «۳»

(میرزا توکلی)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: به اصول شرعی و عرفی اشاره دارد که در فرهنگ ما، اصول شرعی از سوی دین آمده‌اند.

گزینه «۲»: اصول اخلاقی در رابطه میان فردی معنا دارد نه درون فردی.

گزینه «۳»: کودکان کاری را اخلاقی می‌دانند که اطرافیان را خوشحال می‌کند، در حالی که وقتی بزرگ می‌شوند کار اخلاقی را به دلیل درستی آن انجام می‌دهند.

گزینه «۴»: شناخت و تعریف نوجوان از هویت خویش، مستلزم نسبت دادن ویژگی‌های دینی، ارزشی و اخلاقی به خویشتن است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۱، ۵۲ و ۵۹)

۲۰۸- گزینه «۳»

(مهری باهری)

به دلیل تغییرات فیزیولوژیکی و هورمونی در دوره نوجوانی، نوجوانان تحریک‌پذیر و پرخاشگر می‌شوند. همچنین گرایش نوجوانان به همسالان بیشتر از سابق می‌شود. این تغییرات ناشی از زیست آن‌ها در مرحله رشدی نوجوانی بوده و پس از طی شدن این دوره، نوجوانان آرام‌تر و مشتاق‌تر به خانواده می‌شوند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۳)

۲۰۹- گزینه «۴»

(موسا عفتی)

دوقلوهای همسان الزاماً هم‌جنس هستند؛ لذا امیرحسین و خواهرش دوقلوی ناهمسان هستند. حل مسائل به جنبه شناختی و ابراز خشم به جنبه هیجانی رشد اشاره دارد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۷ و ۴۰)

۲۱۰- گزینه «۱»

(موسا عفتی)

روان‌شناسی رشد، شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی، در «آدمی» رخ می‌دهد را مطالعه کند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۷)

اقتصاد

۲۱۱- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

الف) در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به دلیل ارزان بودن کالا، مایل به خرید تعداد واحد بیشتری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، کمبود عرضه یا مازاد تقاضا وجود دارد. زیرا به دلیل ارزان بودن کالا، تقاضا برای آن زیاد است. درحالی‌که تولیدکنندگان برای تولید آن کالا به آن مقدار، انگیزه کافی ندارند؛ در نتیجه تولید و عرضه آن کم می‌شود. بنابراین در سطح قیمت ۲۰۰ ریال، داریم:

= کمبود عرضه یا مازاد تقاضا در سطح قیمت ۲۰۰ ریال

مقدار عرضه در قیمت ۲۰۰ ریال - مقدار تقاضا در قیمت ۲۰۰ ریال

کیلو ۴۰۰ = ۸۰۰ - ۴۰۰

ب) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت بالا، مایل به خرید تعداد واحد کم‌تری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد. زیرا گروهی از

تولیدکنندگان برای محصولات خود خریدار پیدا نمی‌کنند. در این حالت به دلیل گران بودن کالا، تولیدکنندگان که به دنبال کسب سود بیشتری هستند، به تولید بیشتر می‌پردازند درحالی‌که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف این کالای گران تمایل نشان نمی‌دهند.

بنابراین در سطوح قیمت ۳۰۰، ۳۵۰ و ۴۰۰ ریال بازار با مازاد عرضه مواجه است و به میزان مازاد عرضه، تولیدکنندگان موفق به فروش کالای خود نمی‌شوند. یعنی در قیمت ۳۰۰ ریال، ۴۰۰ کیلو از کالا، در قیمت ۳۵۰ ریال، ۸۰۰ کیلو از کالا و در قیمت ۴۰۰ ریال، تولیدکنندگان موفق به فروش ۱۲۰۰ کیلو از کالای خودشان نمی‌شوند.

پ) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، (ناحیه A) مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت بالا، مایل به خرید تعداد واحد کم‌تری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد.

ت) در حالت کمبود عرضه یا مازاد تقاضا چون گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد، این گروه برای خرید کالا حاضر خواهند بود مبلغ بالاتری بپردازند و این امر سبب افزایش قیمت کالا می‌شود. افزایش قیمت باعث می‌شود که از یک سو تولیدکنندگان رغبت بیشتری به تولید نشان دهند و از سوی دیگر مصرف‌کنندگان از مصرف خود بکاهند. این افزایش قیمت تا رسیدن به سطح قیمت تعادلی و از بین رفتن فاصله بین عرضه و تقاضا ادامه می‌یابد. بنابراین در نقطه X قیمت افزایش می‌یابد، تا بازار به سمت تعادل برود.

(اقتصاد، بازار پیست و چگونه عمل می‌کند؟، صفحه ۵۳)

۲۱۲- گزینه «۴»

(نسرین پعفری)

الف)

مالیات بر ارزش افزوده جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحله دوم

$$\text{واحد پولی } 1,800 = 18,000 \times \frac{10}{100}$$

مالیات بر ارزش افزوده جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحله چهارم

$$\text{واحد پولی } 3,200 = 32,000 \times \frac{10}{100}$$

مالیات بر ارزش افزوده جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحله سوم

$$\text{واحد پولی } 2,800 = 28,000 \times \frac{10}{100}$$

= مالیات بر ارزش افزوده خالص جمع‌آوری شده در مرحله چهارم

مالیات بر ارزش افزوده جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحله چهارم

مالیات بر ارزش افزوده جمع‌آوری شده توسط فروشنده در مرحله سوم -

$$\text{واحد پولی } 400 = 3,200 - 2,800$$

پ)

قیمت فروش با احتساب مالیات بر ارزش افزوده در مرحله چهارم

$$\text{واحد پولی } 35,200 = 32,000 + (32,000 \times \frac{10}{100})$$

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد پیست؟، صفحه ۶۳)



۲۱۳- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

انواع کالا	تعریف	مثال
کالای معمولی	کالایی است که با کاهش درآمد، تقاضا برای آن کم می‌شود و با افزایش درآمد میزان مصرف آن کالا افزایش می‌یابد.	برنج مرغوب
کالای پست	به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد تقاضا برای آن کاهش می‌یابد.	برنج نامرغوب
کالاهای مکمل	کالاهایی که به صورت تکمیلی و با هم مصرف می‌شوند. افزایش قیمت یکی از کالاهای مکمل باعث کاهش در میزان تقاضا برای کالاهای دیگر خواهد شد و برعکس.	اتومبیل و بنزین
کالاهای جانشین	کالاهایی هستند که در استفاده یا مصرف جایگزین یکدیگر می‌شوند زمانی که قیمت یک کالا افزایش می‌یابد، تقاضا برای کالای جانشین افزایش می‌یابد و برعکس.	گوشت سفید و قرمز

(اقتصاد، بازار پیست و چگونه عمل می‌کنند؟، صفحه ۵)

۲۱۴- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

الف) دولت با تعریف و اجرای حقوق مالکیت، امنیت خرید و فروش و مبادلات را بهبود می‌بخشد.
 ب) سازمان استاندارد وظیفه دارد کیفیت محصولات را تأیید کند.
 ج) بازی اقتصاد نیازمند یک داور است که به آن دولت می‌گویند. دولت با عملکرد درست خود می‌تواند تخصیص‌های بهینه‌ای برای اقتصاد به‌وجود آورد.
 د) تیرهای چراغ برق، خدمات پلیس، بوستان، آتش‌نشانی و پل‌ها متعلق به یک نفر نیستند و می‌توانند توسط افراد زیادی هم‌زمان استفاده شود و شما نمی‌توانید مردم را از استفاده آن محروم سازید، بنابراین کالای عمومی محسوب می‌شوند.

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد پیست؟، صفحه‌های ۵۷ تا ۵۹)

۲۱۵- گزینه «۱»

(علیرضا رضایی)

a: دولت از بازار عوامل تولید منابع را خریداری می‌کند.
 b: دولت خریدهای خود از بازار محصولات را می‌پردازد.
 c: بنگاه‌ها به دولت مالیات می‌پردازند.
 d: خانوارها با در اختیار دادن عوامل تولید درآمد خود را به‌دست می‌آورند.

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد پیست؟، صفحه ۶۵)

۲۱۶- گزینه «۴»

تشریح عبارت نادرست:

ب) نادرست است. در مالیات بر درآمد، درآمد افراد و شرکت‌ها (و نه ثروت آن‌ها) مبنای مالیات است. شاید بتوان گفت که مالیات بر درآمد اشخاص مهم‌ترین نوع مالیات است.

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد پیست؟، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۳)

۲۱۷- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

هزینه فرصت تولید آناناس در کشور A، (۱۰ موز) از هزینه فرصت تولید آناناس در کشور B (۱۲ موز) کمتر است، از طرفی کشور B (براساس مقادیر یکسانی از منابع تولید) نمی‌تواند به‌زیادی کشور A، آناناس تولید کند. در نتیجه کشور A در تولید آناناس در مقایسه با کشور B، مزیت مطلق دارد.

از طرفی کشور A می‌تواند ۳ تن موز تولید کند و کشور B، ۲ تن. هم‌چنین کشور A می‌تواند موزهایی با هزینه فرصت کمتری نسبت به کشور B تولید کند. در نتیجه کشور A در تولید موز نیز مزیت مطلق دارد.
 (اقتصاد، تجارت بین‌الملل، صفحه‌های ۷۱، ۷۲ و ۷۹)

۲۱۸- گزینه «۲»

(علیرضا رضایی)

الف) در دوران اخیر، خروج آمریکا از توافق آب و هوایی پاریس، توافق‌نامه آسیا - پاسیفیک، توافق برجام و پیمان جهانی سازمان ملل برای بهبود وضعیت مهاجران و پناهندگان، مهم‌ترین موارد نقض پیمان‌های تجاری است که در کارنامه دولت‌های ایالات متحده آمریکا ثبت شده است.

ب) کشور انگلستان در سال ۱۷۰۱، قانونی را در مجلس خود تصویب کرد که براساس آن واردات هر نوع پوشاک با ابریشم ایرانی یا هندی یا چینی به کشور را ممنوع اعلام می‌کرد. این قانون در حمایت از صنعت منسوجات داخلی انگلستان صورت گرفته بود.

ج) کنفرانس پولی و مالی سازمان ملل (برتن وودز) در سال ۱۹۴۴ تشکیل شد و نتیجه آن تشکیل بانک جهانی توسعه و صندوق بین‌المللی پول بود.

د) آمریکا، کانادا و مکزیک در سال ۱۹۹۲، پیمان تجارت آزاد، مشهور به پیمان نفتا را امضا کردند.

بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در طول مراحل امضای پیمان نفتا بیان کرد: «نفتا به معنای شغل و درآمد مناسب برای آمریکایی‌هاست. اگر من به این امر باور نداشتم هرگز این معاهده را حمایت نمی‌کردم.»

(اقتصاد، تجارت بین‌الملل، صفحه ۷۴)

۲۱۹- گزینه «۴»

(مهزی رضایی)

الف) فزونی عرضه بر تقاضا به معنای مازاد عرضه (یا کمبود تقاضا) است و این حالت زمانی در بازار عرضه و تقاضا رخ می‌دهد که قیمت بالاتر از قیمت تعادلی باشد. در این وضعیت، چون گروهی از تولیدکنندگان موفق نمی‌شوند کالایشان را بفروشند، حاضر خواهند بود آن را با قیمتی پایین‌تر به فروش برسانند، در نتیجه، قیمت پایین می‌آید. در این حالت از یک سو، مصرف‌کنندگان با پایین آمدن قیمت، مقدار خرید خود را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، تولیدکنندگان از مقدار تولید خود می‌کاهند. این کاهش قیمت تا رسیدن به سطح قیمت تعادلی و از بین رفتن فاصله بین عرضه و تقاضا ادامه می‌یابد.

ب) با توجه به جدول، در قیمت ۵۱۰ میزان عرضه و تقاضا برابر می‌شود بنابراین قیمت تعادلی ۵۱۰ و مقدار عرضه و تقاضای تعادلی، ۶۰۰ است.

ج) افزایش قیمت از ۴۳۰ به ۵۱۰ موجب از بین رفتن فاصله بین عرضه و تقاضا در بازار می‌شود. در این حالت مقدار تقاضا ۱۰۰ واحد کاهش و میزان عرضه ۱۰۰ واحد افزایش یافته است.

نکته مهم: برای از بین رفتن فاصله بین عرضه و تقاضا در بازار باید قیمت کالا را در بازار به سطح قیمت تعادلی برسانیم تا مقدار عرضه و تقاضا برابر شود.

(اقتصاد، بازار پیست و چگونه عمل می‌کنند؟، صفحه ۵۳)



۲۲۰- گزینه ۱»

(معدری ضیائی)

بررسی عبارت‌های غلط:

دولت سالیانه بخشی از درآمد مورد نیاز خود را از طریق ایجاد بدهی تأمین می‌کند؛ یعنی از مردم قرض می‌گیرد یا آن‌ها را در طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های دولت شریک می‌کند و از محل سود این طرح‌ها سودی بین آن‌ها تقسیم می‌کند. این درآمد نیز نمی‌تواند تا ابد پایدار باشد.

دولت باید امکان تأمین برخی از نیازها را در داخل کشور فراهم کند نه همه نیازها را!

جنگ‌ها و تحریم‌های اقتصادی قرن‌های اخیر و رفتار خودخواهانه برخی کشورها موجب شده است تا اقتصاددانان به اهمیت خودکفایی در برخی تولیدات داخلی و عدم وابستگی برای تأمین آن‌ها از خارج تأکید کنند.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۶۵، ۷۵ و ۷۶)

روان‌شناسی

۲۲۱- گزینه ۱»

(کتاب آبی)

یکی از ابتدایی‌ترین علائم رشد اجتماعی در کودکان، لبخند اجتماعی است که در حدود ۳-۲ ماهگی بروز می‌یابد. ترس از غریبه نیز در ۸-۷ ماهگی رخ می‌دهد.

از لحاظ رشد جسمانی به‌طور میانگین، کودک در ۸ ماهگی می‌تواند بدون کمک دیگران بنشیند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۷ و ۵۱)

۲۲۲- گزینه ۱»

(فرهاد علی‌نژاد)

بی‌ثباتی و تغییر سریع حالات هیجانی امری طبیعی در دوره نوجوانی است و علت آن تغییرات فیزیولوژیکی و هورمونی است که طی بلوغ جسمی و جنسی روی می‌دهند. بنابراین، صحیح‌ترین گزینه، گزینه ۱» است (گزینه ۲ به‌خاطر اشاره به تغییرات شناختی اشتباه است).

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۵۷)

۲۲۳- گزینه ۲»

(موسا عفتی)

«عادت به تاریکی»، «عرق کردن» و «پردن از خواب» عواملی صرفاً زیستی هستند و از بدو تولد ایجاد شده و ارتباطی به یادگیری ندارند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۰ تا ۴۲)

۲۲۴- گزینه ۲»

(فرهاد علی‌نژاد)

یکی از پیامدهای تغییرات شناختی در نوجوانی، احساس منحصر به فرد بودن افراق‌آمیز است. راهکاری که برای رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود این است که ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها را بپذیریم تا در زمان مناسب (با بلوغ فکری بیشتر) نوجوان به دیدگاه متعادل‌تری برسد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۵۶)

۲۲۵- گزینه ۲»

(مهمر رسایی)

در دوره نوجوانی اندام‌های داخلی بدن رشد قابل توجهی دارند؛ به طوری که اندازه و ظرفیت شش سه برابر و اندازه قلب دو برابر می‌شود و حجم کلی خون افزایش پیدا می‌کند.

رشد سریع شناختی در نوجوانی و جوانی باعث می‌شود که فرد بهتر بتواند درباره مسائل اخلاقی، ارزشی و دینی قضاوت کند و واکنش دقیق‌تری نشان دهد.

رشد دستگاه تولید مثل، تغییر اساسی دوره نوجوانی است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۴ و ۶۱)

۲۲۶- گزینه ۴»

(موسا عفتی)

در هفت سال سوم باید با فرد به منزله مشاور رفتار کرد. دیگر نباید به صورت آمرانه با او رفتار شود. باید وی را چون عضو بزرگ خانواده دانست و مانند دیگران او را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۴)

۲۲۷- گزینه ۳»

(مهمر رسایی)

عدم توانایی در صحبت کردن ← مشکل در توانایی‌های زبانی ← مشکل در رشد شناختی
اصرار بر خواسته ← مشکل در رشد هیجانی
بدون اجازه به وسایل عروسکی خواهرش دست زدن ← مشکل در رشد اخلاقی

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۶ تا ۵۲)

۲۲۸- گزینه ۲»

(موسا عفتی)

از آنجا که کودکان براساس واقعیت‌های ملموس و بیرونی قضاوت می‌کنند و تعداد ظروف بیشتر یک دلیل عینی‌تری است؛ بنابراین از نظر یک کودک، نیما کار بدتری انجام داده است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۲۲۹- گزینه ۳»

(موسا عفتی)

اصرار بر خواسته یکی از شکل‌های مختلف هیجان است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: حیطه شناختی

گزینه ۲»: حیطه اجتماعی

گزینه ۴»: حیطه اخلاقی

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۲)

۲۳۰- گزینه ۱»

(کتاب آبی)

تفکر فرضیه‌سازی در دوره کودکی وجود ندارد و مبنای استدلال کودک، واقعیت‌های ملموس و بیرونی است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۵ و ۵۶)

ریاضی و آمار (۳)

۲۳۱- گزینه «۱»

(معمد بفریادی)

پرتاب هر سکه دو حالت دارد و پرتاب تاس ۶ حالت دارد، بنابراین:

$$n(S) = 2 \times 2 \times 2 \times 6 = 48$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۲۳۲- گزینه «۳»

(معمد بفریادی)

$$P(A) = 2P(A') + \frac{1}{4} P(A') = 1 - P(A) \rightarrow$$

$$P(A) = 2(1 - P(A)) + \frac{1}{4}$$

$$\Rightarrow P(A) = 2 - 2P(A) + \frac{1}{4} \Rightarrow 3P(A) = \frac{9}{4} \Rightarrow P(A) = \frac{3}{4}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۷)

۲۳۳- گزینه «۳»

(معمد بفریادی)

$$\text{تعداد کل مهره‌ها} = 5 + 4 + 2 = 11$$

$$n(S) = \binom{11}{2} = \frac{11!}{9! \times 2!} = \frac{11 \times 10}{2} = 55$$

$$n(A) = \binom{5}{2} + \binom{4}{2} + \binom{2}{2} = 10 + 6 + 1 = 17$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{17}{55}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۷)

۲۳۴- گزینه «۲»

(امیر زراندوز)

$$S = \{20, 21, 22, \dots, 89\} \Rightarrow n(S) = 89 - 20 + 1 = 70$$

$$A = \{20, 30, 40, 50, 60, 70, 80\} \Rightarrow n(A) = 7$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{7}{70} = \frac{1}{10}$$

$$\Rightarrow P(A') = 1 - P(A) = 1 - \frac{1}{10} = \frac{9}{10} = 0.9$$

توجه کنید که نباید اعداد ۱۰ و ۹۰ را جزء مجموعه A حساب کنید؛ زیرا اعضای A باید عضو S هم باشند و در واقع A زیرمجموعه S است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۷)

۲۳۵- گزینه «۳»

(امیر زراندوز)

$$P(\text{هیچ کلام در یک روز هفته متولد نشده باشند}) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{7 \times 6 \times 5}{7 \times 7 \times 7} = \frac{30}{49}$$

A

$$P(\text{حداقل ۲ نفرشن در یک روز هفته متولد شده باشند}) = 1 - P(A) = 1 - \frac{30}{49} = \frac{19}{49}$$

A'

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۷)

علوم و فنون ادبی (۳)

۲۳۶- گزینه «۲»

(عزیز الیاسی پور)

تشریح موارد نادرست:

سرگذشت حاجی بابای اصفهانی: جیمز موریه (میرزا حبیب اصفهانی مترجم این اثر بود).

داستان باستان: میرزا حسن خان بدیع

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۷ تا ۲۱)

۲۳۷- گزینه «۱»

(سیرمعمد هاشمی)

در عصر مشروطه، بیشترین رویکرد نویسندگان به نوشتن رمان‌های تاریخی بود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه ۱۹)

۲۳۸- گزینه «۳»

(معبود ممدی)

گل	در	بَ	رُ	می	در	کَ
-	-	U	U	-	-	U
بر	بخ	ت	بِ	خَن	دی	ذ

فُ	مَع	شو	ق	ب	کا	مَسْت
U	-	-	U	U	-	-
مُ	بر	خُد	بِ	گِ	رَس	تَم

وزن مصراع صورت سؤال و این گزینه، هر دو «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۶)

۲۳۹- گزینه «۲»

(سیر علیرضا احمدی)

این بیت به دو صورت «مفعول فاعلاتن مفاعیلن» و «مستفعلن مفاعل مستفعلن» قابل تقسیم‌بندی هجایی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

۲۴۰- گزینه «۳»

(معبود ممدی)

وزن بیت «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع» و از اوزان ناهمسان است.

وزن سایر ابیات:

گزینه «۱»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن: همسان تک‌پایه‌ای

گزینه «۲»: مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلاتن: همسان دولختی

گزینه «۴»: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن: همسان تک‌پایه‌ای

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)



جامعه‌شناسی (۳)

۲۴۶- گزینه «۱» (ارغوان عبدالملکی)
نظم یعنی قرار گرفتن هر پدیده در جای خود.
نظم اجتماعی پیش‌بینی رفتار دیگران و همکاری با آن‌ها را امکان‌پذیر می‌نماید.

در زندگی روزمره، بی‌نظمی بیشتر از نظم به چشم می‌آید.
(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۲۴۷- گزینه «۲» (ارغوان عبدالملکی)
تشریح مورد نادرست:

یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه، تسلط انسان بر جامعه را همان‌گونه که بر طبیعت تسلط یافته است، به‌دنبال نخواهد داشت و انسان را به پیچ و مهره‌های نظم اجتماعی تقلیل می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۲، ۲۶، ۲۸ و ۲۹)

۲۴۸- گزینه «۳» (ارغوان عبدالملکی)
ساختار اجتماعی را در گروه‌های رسمی مانند سازمان‌ها بهتر می‌توان دید.
(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۲۴۹- گزینه «۳» (کتاب آبی)
- نظام اجتماعی همانند یک موجود زنده تلاش می‌کند با تغییر در خود و محیط، نیازهای خود را تأمین سازد و خود را در بلندمدت حفظ نماید. رشد جمعیت، از جمله تغییراتی است که یک نظام در خود ایجاد می‌کند.
- منظور از پویا بودن نظام اجتماعی این است که بخش‌های مختلف آن بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی، با محدود دانستن دانش علمی به دانش تجربی، صرفاً تبیین‌های تجربی به رسمیت شناخته می‌شد.
(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

۲۵۰- گزینه «۴» (کتاب آبی)
- انسان از دیدگاه جامعه‌شناسی تبیینی، صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده‌تر از سایر موجودات طبیعی، دانسته می‌شود. در حالی که انسان با موجودات طبیعی تفاوت بنیادی دارند.
- جامعه‌شناسان تبیینی معتقد بودند که همه جوامع، مسیر یکسانی به سوی پیشرفت طی می‌کنند و جوامع از ساده به جوامع پیچیده تبدیل می‌شوند.
(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۹ و ۳۰)

۲۴۱- گزینه «۴» (سیرعلیرضا احمدی)
بیت گزینه «۴»، بر وزن «فاعلاتن مفاعلتن فعلن» در پایه‌های آوایی ناهمساز سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۲۴۲- گزینه «۱» (عمیر مهرئی)
بیت «الف»: تلمیح: اشاره به داستان هفت‌خان رستم
بیت «ب»: تضمین: سیف فرغانی، مصراع دوم را از سعدی تضمین کرده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۴)

۲۴۳- گزینه «۳» (عمیر مهرئی)
«ملایک در میخانه زند» بخشی از یک بیت از غزل مشهور حافظ است که «فیض کاشانی» در این بیت آن را تضمین کرده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)

۲۴۴- گزینه «۴» (مفسن خدایی- شیراز)
این بیت تلمیح دارد به داستان حسین بن منصور حلاج که در قرآن نیامده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: تلمیح به داستان حضرت سلیمان (ع)
گزینه «۲»: تلمیح به آیه «الست بریکم قالوا بلی»
گزینه «۳»: تلمیح به «آب حیات» یا «آب خضر» که در قرآن ذکر شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)

۲۴۵- گزینه «۴» (مفسن اصغری)
مفهوم مشترک ابیات مرتبط: درد و رنج و اندوه فراوان شاعر

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «درمان‌ناپذیری درد عشق»
گزینه «۲»: لذت‌بخش بودن درد عشق
گزینه «۳»: وجود غم عشق در دل عاشق
(علوم و فنون ادبی (۳)، مفعول، صفحه ۳۹)



عربی زبان قرآن (۳)

۲۵۱- گزینه ۱»

(درویشعلی ابراهیمی)

«یدع»: بخواند/ «مع الله»: با خدا/ «إلها آخر»: معبود دیگری/ «لا برهان له»: هیچ دلیلی نداشته باشد (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «إنما»: فقط، تنها (رد گزینه ۳) / «عند ربه»: نزد پروردگارش (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «لا یفلح الکافرون»: کافران رستگار نمی‌شوند (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۲۵۲- گزینه ۱»

(علی مهن‌زاده)

فعل «لا یضّر» فعل نهی است و باید به شکل نهی ترجمه گردد. (دقت شود که این فعل به علت نهی شدن، مجزوم است، ولی چون بعد از آن، اسمی آمده که ابتدایش (ال) گرفته، به همین علت به جای حرکت سکون، کسره گرفته است.)

ترجمه صحیح عبارت گزینه ۱»:

دانش آموز با رفتار بدش به همکلاسی‌های خود نباید آسیب برساند.

(ترجمه)

۲۵۳- گزینه ۴»

(ولی بریی - ابهر)

با توجه به جمله فارسی و کاربرد عبارت «هیچ ... نیست»، به لای نفی جنس نیاز داریم. اسم لای نفی جنس همواره در آخرش، فتحه می‌گیرد و «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد و خبر آن نیز مرفوع می‌شود؛ بنابراین فقط گزینه «۴» درست است. در این گزینه، «مُصیبة» اسم لای نفی جنس است و فتحه گرفته و «تنوین» و «ال» نیز ندارد، خبر آن نیز «أعظم» است که اسم تفضیل است و مرفوع می‌باشد.

(ترجمه)

۲۵۴- گزینه ۴»

(مرتضی کاظم شیروزی)

کلمه «سهل» نقش خبر را دارد و باید مرفوع شود. «لکن» از حروف مشبّهة بالفعل است و حرف «ک» با کسره صحیح است (صحیح: لکن). «خائفون» هم نادرست است؛ هرگاه خبر از اسم‌های جمع مذکر سالم باشد، با علامت «ون» مرفوع می‌شود (صحیح: خائفون).

(ضبط حرکات)

۲۵۵- گزینه ۴»

(هاری پولادی - تبریز)

تشریح گزینه‌ها:

در گزینه «۱»: «لعل» به معنی (شاید، امید است) خبر از عدم تحقق کامل فعل می‌دهد/ در گزینه «۲»: «علیک» معنی امر را رسانده و هنوز خبر از تحقق کامل فعل نیست / در گزینه «۳»: «لیت» به معنی (ای کاش) بوده و آرزویی است که هنوز محقق نشده است. / در گزینه «۴»: زمان فعل‌ها هر دو ماضی بوده و خبر از تحقق کامل فعل می‌دهند.

(انواع هملات)

فلسفه دوازدهم

۲۵۶- گزینه ۲»

(حسن صدری)

توالی حوادث خاص ذهن را به رابطه علیت منتقل می‌کند و میان این حوادث خاص چیزی بیش از توالی حاکم است؛ یعنی «تأثیر و تأثر» (رد گزینه‌های ۱ و ۴). علیت رابطه‌ای جعلی و قراردادی نیست که کسی آن را وضع کرده باشد. (رد گزینه ۳)

(فلسفه دوازدهم، یوان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۲۵۷- گزینه ۲»

(حسن صدری)

از نظر هیوم توالی و تعاقب پدیده‌ها صرفاً «زمینه‌ساز» باور ما به علیت هستند، نه اینکه خود توالی و تعاقب پدیده‌ها علیت باشد. علیت از نظر هیوم اساساً اصلی نیست که بتوان آن را به طور مستقل از راه تجربه توجیه کرد، بلکه عادت ذهنی ما به رخ دادن پشت سر هم حوادث، این باور راسخ را در ما ایجاد کرده است که علیتی در کار است.

توجه: از نظر هیوم «باور» به اصل علیت قابل توجیه تجربی است و توجیهش همان اصل عادت ذهنی است، اما «خود» علیت توجیهی تجربه‌گرایانه ندارد (رد گزینه ۴).

(فلسفه دوازدهم، یوان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۲۵۸- گزینه ۳»

(نیم‌پواهری)

دیوید هیوم بیان کرد که رابطه علیت در حس و تجربه مکشوف نیست. اما این مسئله برای او که تجربه‌گرا بود و مبنای همه شناخت‌های معتبر را حس و تجربه می‌دانست به انکار ادراک یقینی رابطه علیت و ضرورت علی و معلولی ختم شد. ابن سینا که حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی کرده، به این نکته اشاره نموده است. وی می‌گوید: آری، درک این رابطه و پی بردن به «علیت» از طریق تجربه امکان‌پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط «به دنبال هم آمدن» یا «همراه هم آمدن» برخی پدیده‌ها را می‌یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیت» نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه‌گراست، نمی‌تواند تبیین قانع‌کننده‌ای از علیت ارائه کند.

(فلسفه دوازدهم، یوان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۲۵۹- گزینه ۲»

(کتاب آبی)

این مطلب بیانگر اهمیت اصل سنخیت است و ارتباط مستقیم با اصل سنخیت دارد، به گونه‌ای که نفی اصل سنخیت مساوی است با نفی اصل علیت. اصل علیت اشاره به ارتباط و پیوستگی بین علت و معلول دارد اما آنچه که به نظم مربوط می‌شود سنخیت است.

(فلسفه دوازدهم، یوان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

۲۶۰- گزینه ۴»

(کتاب آبی)

عبارت «الف»: یک گزاره نادرست درباره اصل سنخیت است. زیرا همه انسان‌ها به طور طبیعی طبق همین اصل رفتار می‌کنند و اگر کسی هم آن را انکار کند تنها در مقام حرف است.

عبارت «ب»: نشان‌دهنده اصل وجود علی و معلولی است، یعنی با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می‌یابد و موجود می‌شود.

عبارت «پ»: امکان پیشگیری از حادثه‌ها نیز با قبول اصل سنخیت اتفاق می‌افتد.

عبارت «ت»: اگر کسی اصل وجودبخشی علت به معلول را انکار کند، مانند این است که خود اصل علیت را انکار کرده است و تأثیری برای علت قائل نشده است و بودن و نبودن علت برای او یکسان است.

(فلسفه دوازدهم، یوان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

پاسخ نامه تشریحی آزمون شناختی ۲۱ بهمن ۱۴۰۱

دانش آموز عزیز!

در این پاسخ نامه، سوالات دانش شناختی مطرح و پاسخ تشریحی آنها ارائه شده است. بهبود دانش شناختی شما و آگاهی از منطق زیربنایی آن که در پاسخ تشریحی آمده است، موجب ارتقاء و تقویت توانایی های شناختی شما می شود.

۲۶۱. ورزش یا فعالیت فیزیکی موجب تسهیل یادگیری در کدام مورد زیر می شود؟

۱. تکالیف درسی بعد از ورزش
۲. تکالیف درسی قبل از ورزش
۳. هر دو مورد
۴. هیچ کدام

پاسخ تشریحی: پاسخ ۳ صحیح است. یادگیری فرایندی است که نه تنها قبل از مواجهه با اطلاعات نیازمند توجه است بلکه پس از ارائه اطلاعات نیز، نیازمند تثبیت و ذخیره سازی است. ورزش قبل از یادگیری، موجب تمرکز توجه و ورزش پس از یادگیری، موجب تقویت تثبیت و ذخیره اطلاعات می شود.

۲۶۲. برای پیشگیری از حواس پرتی کدام مورد را مفید می دانید؟

۱. اجازه دادن حرکت آزادانه فکر
۲. کم کردن محرک های مزاحم
۳. هردو مورد
۴. نمی دانم

پاسخ تشریحی: پاسخ ۲ صحیح است. کم کردن محرک های مزاحم موجب مواجهه کمتر مغز با اطلاعات غیرضروری می شود. در این شرایط مغز تلاش کمتری برای انتخاب اطلاعات مرتبط در رقابت با اطلاعات غیرمرتبط نیاز دارد.

۲۶۳. تعداد گویه های قابل ذخیره در کدام نوع حافظه بیشتر است؟

۱. اطلاعات تصویری
۲. اطلاعات شنیداری
۳. فرقی نمی کند
۴. نمی دانم

پاسخ تشریحی: پاسخ ۲ صحیح است. در حافظه فعال، تعداد گویه های قابل ذخیره دیداری ۴-۳ مورد ولی گویه های قابل ذخیره شنیداری ۹-۵ گویه است. لطفا پاسخ تشریحی سوال بعد را نیز با دقت بخوانید.

۲۶۴. کدام مورد برای به خاطر سپاری حجم بیشتری از اطلاعات را در یک بازه زمانی مفید است؟

۱. اطلاعات تصویری
۲. اطلاعات شنیداری
۳. فرقی نمی کند
۴. نمی دانم

پاسخ تشریحی: پاسخ ۱ صحیح است. هر چند تعداد گویه های قابل ذخیره دیداری کمتر از شنیداری است ولی به دلیل موازی بودن اطلاعات دیداری، حجم بیشتری از اطلاعات می تواند در یک بازه زمانی به وسیله حس بینایی منتقل شود. بر این اساس توصیه می شود تا حد ممکن متن کتاب را به تصویر تبدیل کنید، حتی تصویری که فقط خودتان متوجه منظور و نشانه های آن بشوید.

۲۶۵. چگونه می‌توان توجه را در زمان خواندن مطالب درسی به سمت موارد مهم تر سوق داد؟

۱. خط کشیدن زیر مطالب مهم‌تر

۲. نکته‌برداری

۳. هایلایت کردن

۴. همه موارد

پاسخ تشریحی: پاسخ ۴ صحیح است. هر چهار مورد اطلاعات مهم تر را برجسته‌تر کرده و آن را در رقابت با اطلاعات کم اهمیت‌تر برای جلب توجه موفق می‌کند.

۲۶۶. کدام روش زیر را در مطالعه مناسب‌تر می‌دانید؟

۱. استفاده از مثال‌های موجود در کتاب درسی

۲. خلق مثال‌های جدید بر اساس دانش خودمان

۳. تفاوتی ندارد

۴. نمی‌دانم

پاسخ تشریحی: پاسخ ۲ صحیح است. خلق مثال‌های جدید موجب پردازش عمیق‌تر اطلاعات و ماندگاری بهتر آن‌ها می‌شود.

۲۶۷. به خاطر سپاری کدام مطلب زیر راحت‌تر است؟

۱. مطالب عجیب

۲. مطالب خنده‌دار

۳. مطالب واقعی و جدی

۴. مورد ۱ و ۲

پاسخ تشریحی: پاسخ ۴ صحیح است. مطالب هیجانی و عجیب راحت‌تر فرا گرفته می‌شوند به دو دلیل: جلب توجه بیشتر، امکان تکرار و شانس تثبیت بیشتر. توصیه می‌کنیم از مثال‌ها و یا ارتباط‌های خنده دار و عجیب برای یادگیری مطالب درسی استفاده کنید.

۲۶۸. کدام روش را برای حل مساله مناسب‌تر می‌دانید؟

۱. پیروی از روش معمول

۲. خلق روش جدید

۳. هر دو

۴. هیچ‌کدام

پاسخ تشریحی: پاسخ ۲ صحیح است. خلق مثال‌های جدید موجب پردازش عمیق‌تر اطلاعات و ماندگاری بهتر آن‌ها می‌شود.

۲۶۹. نگهداشتن توجه بر روی کدام یک از موارد زیر سخت‌تر است؟

۱. تکلیف ساده و یکنواخت

۲. تکلیف دشوار و متنوع

۳. فرقی ندارد

۴. نمی‌دانم

پاسخ تشریحی: پاسخ ۱ صحیح است. تکالیف ساده و یکنواخت، مثل تکالیف درسی، توجه پایدار بیشتری نیاز دارند. این نوع توجه با تلاش و یا فواصل استراحت منظم می‌تواند عملکرد بهتری داشته باشد.



نکته: سوال‌ها و پاسخ‌های بالا برای تقویت توجه، تمرکز، حافظه و خلاقیت، راهکارهایی را ارائه داده است. این راهکارها به شما کمک می‌کند منابع شناختی موجود خود را به طور بهینه مدیریت کنید. این روش در تقویت شناختی "جبران" نامیده می‌شود.

روش دیگر تقویت شناختی، "ترمیم" است که در آن منابع شناختی موجود فرد توسعه می‌یابد. برنامه کامپیوتری تقویت و توجه سام (موجود در پروفایل شما در سایت کورتکس) می‌تواند به این منظور مورد استفاده قرار گیرد.